



فصلنامه هیا | متعلق به مؤسسه رحمان  
شماره دوم: شهر من گم شده است | تابستان ۱۴۰۲



# فصلنامه هایا

(متعلق به مؤسسه رحمان) تابستان ۱۴۰۲

شماره دوم: شهر من گم شده است\*

سردبیر: فردوس شیخ الاسلام  
ناظر ترجمه: مهدی نوریان  
ویراستار: حورانیک بخت  
طراح گرافیک: سارا کریمی



rahman.org.ir



@rahmaninstitute



@rahman.institute



@rahman.inst



@rahmaninstitute



@rahmaninstitute



رادیو رها / radio raha

\*بخشی از شعر "صدای پای آب" سهراب سپهری.

تصویر روی جلد: اثری از یک هنرمند خیابانی مشهور به «میرزا حمید» که بر دیوارهای یکی از محلات تهران نقش بسته است. او معمولاً دیوارهای مخروبه و متروکه‌ها را برای میزبانی آثارش انتخاب می‌کند.

صفحه شخصی هنرمند در اینستاگرام:

@Mirzaahamid

هایا یعنی آگاه

## فهرست مطالب

### دیباچه

فردوس شیخ الاسلام

۳

### آنچه اعتراض را ممکن می‌کند یا آن را مانع می‌شود: طراحی شهری و امکان یا امتناع اعتراض

نویسنده: جورجینا لومباردرو

مترجم: مهدی نوریان

۷

### میدان‌های شهر چگونه قابلیت پیدا می‌کنند مکان‌های عمومی اعتراض باشند یا مراکز نظارت حکومتی؟

نویسنده: مجدی فالح

مترجم: حورا نیک‌بخت

۲۰

### تعاملات اجتماعی

کارولین هالند و دیگران

مترجم: نجمه واحدی

۲۵

### چرا کنترل فضا مهم‌تر از کنترل مطبوعات شد؟

گفت‌وگوی اختصاصی با اعظم خاتم

۳۷

### در جست‌وجوی فضاهای بدیل

نویسندگان: انوپ کمار و مامتا منتری

مترجم: مائده سبط نبی

۴۱

### خبرنامه

۵۳

## دیباچه

### فردوس شیخ الاسلام

«طراحان شهر محیط‌های دارای پتانسیل را خلق می‌کنند؛ در صورتی که مردم محیط‌های واقعی را.»

کارمونا به نقل از گانس، ۱۳۹۱: ۲۱۳

وقتی به «شهر» فکر می‌کنیم، حواس پنجگانه مان درگیر یادآوری چیزهای مختلفی می‌شوند: خیابان‌ها و کوچه‌ها و گپ‌زدن همسایه‌ها جلوی مسجد و مغازه‌های محلی، بزرگ‌راه‌ها و تونل‌های عظیم و مجتمع‌های تجاری بزرگ و سروصدای اتومبیل‌ها و پرندگان و گربه‌ها، رفت‌وآمد آدم‌ها برای رسیدن به کار و قرارهای دوستانه و تفریح و امور اداری، برج‌ها و آپارتمان‌ها و خانه‌های قدیمی و دست‌فروشان و کودکان کار، فضاهای سبز و اتوبوس و پایانه‌های تاکسی‌رانی و مترو و دوچرخه و موتور، موزه‌ها و میادین و بناها و دروازه‌های به‌جامانده از روزگاران دور، عطر کافه‌ها و اغذیه‌فروشی‌های کوچک و گل‌خانه‌ها و بوی سیگار و هوای آلوده و جوی آب و سطل‌های زباله و خیلی چیزهای دیگر. شهر مجموعه‌ی درهم‌پیچیده‌ای از همه‌ی این تصاویر، صداها و رایحه‌هاست. از نگاه آنری لوفور (۱۳۹۱: ۱۱۶ و ۱۲۲)، شهر را می‌شود یک «فضا» به حساب آورد، ولی نه آنکه فضا چیزی تهی و خنثی باشد و با محتواهایی پر شود، بلکه اصولاً خودش ترکیبی از ابژه‌های مادی، روابط اجتماعی و شبکه‌ها و مسیرهایی است که مبادله‌ی اطلاعات و اشیا را ممکن می‌کنند؛ پس فضا را می‌توانیم مجموعه‌ای از روابط میان چیزها (ابژه‌ها، محصولات) و مبادله‌ها (روابط اجتماعی) بدانیم.

برای شماره‌ی دوم هایا، به سراغ «موضوع شهر همچون فضا» رفتیم، با پرسش‌هایی مثل این‌ها: چه کسانی و چه چیزهایی شهر را می‌سازند؟ فضاهای عمومی‌اقتشار مختلف مردم را به دور هم جمع‌شدن دعوت می‌کنند یا بین آن‌ها مرز می‌کشند و از خود می‌رانند؟ یک مکان همگانی باید بتواند به زندگی درون خودش شکل بدهد و امکان دور هم جمع‌شدن گروه‌های متنوع از مردم را فراهم کند تا فضا زنده شود و جایی باشد که آدم‌ها در آن چیزی بیش از یک رهگذرند. (کارمونا، ۱۳۹۱: ۳۴۳) باید پرسید شهری که در آن زندگی می‌کنیم ما و بقیه‌ی مردم را به یکدیگر پیوند داده، یا با هم بیگانه کرده‌است؟ آیا هیچ‌وقت کوچه‌ها و خیابان‌ها باعث شده‌اند احساس آزادی و امنیت کنیم؟ چه اشکالی از روابط فرادستی/فروردستی را درون شهر زیسته‌ایم، این تجربه تا چه حد جمعی بوده‌است و چگونه می‌توانیم توضیحش بدهیم؟ در پاسخ به پرسش‌هایی از این دست، نحوه‌ی طراحی فیزیکی شهر مثل خیابان‌کشی‌ها، شکل بوستان‌ها، ابعاد میدان‌ها، نورپردازی، اندازه و جای ساختمان‌ها، حصارها و... چه سهمی دارند؟

ما بسیاری از تغییرات اجتماعی - اگر نخواهیم بگوییم همه آن‌ها - را به واسطه شهر درک می‌کنیم. خیابان مانند یک ویتترین می‌تواند بگوید چه چیزی در جامعه می‌گذرد، چه کشمکش‌هایی جریان دارد و قدرت چگونه تقسیم شده است. حتی اگر پا به شهر نگذاریم، خیابان‌ها سر از گوشه‌های هوشمند درآورده‌اند و خودشان را تا خصوصی‌ترین مکان و زمان زندگی مان کشانده‌اند و اثرشان را می‌گذارند؛ فارغ از اینکه با کدام یک از طرفین تنش بر سر فضاها هم‌دل باشیم. شهری که در آن زندگی می‌کنیم، حتی اگر در آرام‌ترین و یکپارچه‌ترین حالتش باشد، همچنان تب‌وتاب‌هایی را در خود پنهان کرده، چون فضا همیشه یک محصول اجتماعی-تاریخی است. تولید فضا شباهت بسیاری به تولید کالاهای دیگر دارد. تولید فضا ابزاری است در دست اشخاص و گروه‌هایی که آن را مال خود می‌کنند تا مدیریت و استفاده از آن را در انحصار قدرت خود نگه دارند. (گاتدینر، ۱۳۹۷)

در این شماره، تلاش کردیم به ابعاد مختلفی از روابط متقابل شهر و مردم پردازیم، خصوصاً از این منظر که فضاها فعالیت را، که در آن‌ها می‌توان انجام داد، تعریف می‌کنند. ابعاد و ویژگی‌های فیزیکی یک محیط و آدم‌هایی که در آن هستند، رابطه دوسویه با یکدیگر دارند. کالبد فضا، به واسطه امکان‌هایی که برای تعاملات اجتماعی فراهم می‌کند یا برعکس (زمینه‌هایی که برای فاصله گرفتن از دیگران و انزوا شکل می‌دهد)، اهمیت فراوانی دارد. (کارمونا و دیگران، ۱۳۹۱: ۲۱۲) در دیدگاه برنامه‌ریزان شهری، تفاوت هست بین اینکه طراحی محیط‌ها به دست «تصمیم‌گیران» چه طیفی از فرصت‌ها و پتانسیل‌ها را فراهم می‌کند و «استفاده‌کنندگان» تا چه حد درون همان ظرفیت‌ها و پیش‌بینی‌ها عمل می‌کنند؛ البته که طراحی شهری نمی‌تواند رفتار افراد را تعیین کند، اما می‌تواند احتمال بروز رفتارهای مدنظر سیاست‌گذاران را افزایش دهد؛ بنابراین درباره شهرهای ایدئال برای حکومت‌های اقتدارگرا می‌توان گفت یک محیط هرچه بیشتر بتواند رفتارهای مردم را قابل پیش‌بینی، محدود، رؤیت‌پذیر و به دور از خلاقیت و رهایی بدن‌ها بسازد، مطلوب‌تر است.

اولین متن، با عنوان «آنچه اعتراض را ممکن می‌کند یا آن را مانع می‌شود: طراحی شهری و امکان یا امتناع اعتراض»<sup>۱</sup>، دو تجربه متفاوت در بارسلونا و نیویورک را بررسی کرده است تا اثبات کند که طراحی شهر در نحوه شکل‌گیری اعتراضات جمعی و پیش‌رفتن آن‌ها چه اهمیت تعیین‌کننده‌ای دارد. از نظر نویسنده، شهر بدون فضاهای عمومی‌اش چیزی جز ردیف‌های بتونی بی‌روح و ساختمان‌های سربه‌فلک‌کشیده نخواهد بود، چون این فضاهای عمومی‌اند که به شهر شخصیت و هویت می‌بخشند، بخش مهمی از حافظه جمعی نسل‌ها را شکل می‌دهند و بستر مواجهات اقشار گوناگون با یکدیگرند.

در ادامه، متن دوم را، با نام «میدان‌های شهر چگونه قابلیت پیدا می‌کنند مکان‌های عمومی اعتراض باشند یا مراکز نظارت حکومتی؟»<sup>۲</sup> قرار داده‌ایم که درباره تجربه کشورهای شمال آفریقا پس از بهار عربی است. این مطلب، در عین کوتاه بودنش، به خوبی نشان می‌دهد که چگونه دولت‌ها می‌توانند، با چند جابه‌جایی ساده در مبلمان شهری یا اقداماتی مثل تغییر نام بلوارها، مَهر خودشان را به فضاهای عمومی بزنند، حضور قیّم‌مآبانه‌شان را مدام یادآوری کنند و قدرتشان برای سرکوب را به رخ بکشند. این‌گونه است که عبارت «فضای عمومی» کاملاً از معنای خود تهی می‌شود.

1. Lombardero, Georgina (2022). "What Makes or Breaks a Protest. How does Urban Design influence in the Making or Breaking of a Protest?", Unit 9: Design Cultures 3, Urban Fabric, 27 of January 2022.

2. Faleh, Majdi. (2021) How city squares can be public spaces of protest or centres of state control. Available at: <https://theconversation.com/how-city-squares-can-be-public-places-of-protest-or-centres-of-state-control-102275>

متن سوم فصلی از یک کتاب با نام «تعاملات اجتماعی در مکان‌های عمومی شهری»<sup>۳</sup> است. نویسندگان توصیفات و تحلیل‌های خودشان را از مشاهده‌ای مردم‌نگارانه، که از دو بوستان در شهر آیلزبری انگلستان داشته‌اند، ثبت کرده‌اند. این مطلب را انتخاب کردیم، چون تأکید خاصی بر سن و سال دارد؛ یکی از مواردی که اشخاص را طبقه‌بندی می‌کند، اما در بسیاری از سیاستگذاری‌ها و تحلیل‌های اجتماعی دیده نمی‌شود. ما چقدر در زندگی روزمره شهری مان می‌بینیم که مکان‌های همگانی به کودکان، نوجوانان و سالمندان تعلق دارند و به نیازهای آن‌ها پاسخ می‌دهند؟ این متن نشان می‌دهد که یک فضا هر قدر هم «عمومی» باشد، دسترسی به آن برای شما تا حد زیادی بستگی دارد که چند سال دارید، از کدام ملیت و طبقه اقتصادی برآمده‌اید، منسوب به چه جنسیتی هستید، چه زمانی از روز است، در کدام منطقه از شهر قرار دارید و... همه این عوامل ثابت می‌کنند که روابط قدرت در حق و امکان استفاده از فضاهای عمومی تنیده شده است.

چهارمین متن با عنوان «چرا کنترل فضا مهمتر از کنترل مطبوعات شد؟»، مصاحبه اختصاصی‌هایی با اعظم خاتم، جامعه‌شناس توسعه و پژوهشگر حوزه شهر، است. ما از ایشان درباره چگونگی بروز جنبش‌های اجتماعی معاصر ایران در شهرها، نسبت زنان با سیاست‌های شهری، علت اهمیت خیابان در تجمعات اعتراضی و ویژگی‌های شهرهای موجود در جغرافیای اسلامی پرسیدیم. از نظر او، مردم باید به طور مداوم وجود و حضور خود را به قدرت یادآوری کنند و این یادآوری ضرورتاً به فضای عمومی گره خورده است. اعظم خاتم نحوه تعامل دولت و زنان در عرصه سیاست فرهنگی فضاهای عمومی ایران را به سه مرحله تقسیم می‌کند و ویژگی متمایز مرحله‌ای را، که فعلاً در آن قرار داریم، اعلام این پیام می‌داند: «اگر دولت توسعه و دولت رفاه که دستمان را بگیرد نداریم، دولت مداخله‌گر و تنبیه‌گر هم نمی‌خواهیم». این اعلان خصوصاً از زبان زنان بیان شد.

متن پنجم، «در جست‌وجوی فضاهای بدیل»<sup>۴</sup>، با مرور چند جنبش اجتماعی گوناگون در شهرهای هند طی سالیان اخیر، نشان می‌دهد که چرا تعیین مکان‌های مشخص از سوی دولت برای اعتراضات مردم تقریباً همیشه محکوم به شکست است؛ چون با نفوس اعتراض تناقض دارد. سیستم‌های سیاسی حاکم نگران مختل شدن زندگی روزمره به واسطه تجمعات اعتراضی در خیابان‌ها و جاده‌ها هستند؛ درحالی‌که آن کس، که برای بیان مطالباتش پا به خیابان می‌گذارد، دقیقاً می‌خواهد عادی بودن وضعیت را زیر سؤال ببرد. فضاهای عمومی برای به گوش رساندن صدای مردم به یکدیگر و به دولت بسیار مهم‌اند و اگر امن و آزاد نباشند، دایره خشم و نارضایتی را بزرگ‌تر می‌کنند و از امکان شکل‌گیری هم‌دلی و تکررگویی می‌کاهند. به سبب هر شماره، تلاش کرده‌ایم لحن و بیان متن‌های ترجمه‌شده را طوری ارائه بدهیم که برای مخاطبان ناآشنا با علوم اجتماعی هم قابل فهم باشند؛ بنابراین جملاتی از این مقالات، به منظور خوانش روان، حذف شده‌اند و برای وفادارماندن به متن اصلی، به جای جملات محذوف از [...] استفاده شده است. برای دسترسی به نسخه کامل هر مطلب، می‌توانید به لینکی که در انتهای آن قرار داده‌ایم مراجعه کنید. فهرست منابع این متن‌ها هم در همان لینک هستند.

3. Holland, Caroline et al (2007). "Social Interactions". Social interactions in urban public places, Joseph Rowntree Foundation

۴. این متن فصلی از یک کتاب - شامل مجموعه مقالات - با نام «شهرها و اعتراضات؛ دیدگاه‌هایی در نقد فضایی» است.

در پایان مایلیم از مائده سبط نبی تشکر کنیم که، با تلاش‌های متعهدانه‌اش، بیشترین سهم را در یافتن مقالات و کتاب‌ها داشت. از محمدکریم آسایش، برای همراهی‌اش در جست‌وجوی متن‌های مناسب، سپاس‌گزاریم. از آتنا کامل و ایمان واقفی، بابت همفکری‌شان برای سروشکل‌گرفتن موضوع این شماره، متشکریم.

### منابع:

- کارمونا، متیو و دیگران (۱۳۹۱)، مکان‌های عمومی فضاهاى شهری، فریبا قرایی و دیگران، تهران: دانشگاه هنر.
- لوفور، آنری (۱۳۹۱)، تولید فضا، محمود عبدالله‌زاده، تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
- «تولید اجتماعی فضای شهری»، دیالکتیک و فضا، قابل دسترسی در:

<http://dialecticalspace.com/the-social-production-of-urban-space/>

## آنچه اعتراض را ممکن می‌کند یا آن را مانع می‌شود: طراحی شهری و امکان یا امتناع اعتراض

نویسنده: جورجینا لومباردرو

مترجم: مهدی نوریان



عکس ۱. جنبش برآشفتگان (ایندیگنادوس) در پلازا کاتالونیا، بارسلونا

بی‌شک بارسلونا از آن شهرهای دوستدار اعتراض است و بالیدن در این شهر موجب شده، اعتراضات زیادی را در آن تجربه کنم آن هم دست‌اول. بعضی از این اعتراضات از بقیه موفق‌تر بودند. من به این پرسش علاقه‌مندم که چرا اعتراضات شکل می‌گیرند و چه چیزی موجب می‌شود به خوبی عمل کنند. هدف این نوشتار بررسی این پرسش است که [...] چطور طراحی شهری موجب می‌شود یک اعتراض توفیق‌یابد و تأثیر مثبتی داشته باشد یا در یک زمینه فیزیکی فضایی شکست بخورد.

تحلیل این موضوعات را از خلال بحث درباره دو مورد مطالعاتی پیش می‌بریم: جنبش «ایندیگنادوس»<sup>۵</sup> در بارسلونا، که در میدان کاتالونیا این شهر در ۱۵ ماه مه سال ۲۰۱۱ به مدت شش هفته رخ داد، و جنبش «وال استریت را اشغال کنید»<sup>۶</sup> که به فاصله کوتاهی در «پارک زاکوتی»<sup>۷</sup> در شهر نیویورک در ۱۷ سپتامبر روی داد، و به مدت دو ماه، طول کشید. قرار است در این نوشتار از منظر طراحی به این دو مورد نگاهی بیندازیم تا متوجه شویم چطور طراحی شهری و سیاست‌های مربوط به آن در تعریف دوام و اثربخشی جنبش دست‌بالا را دارند. هر دوی این جنبش‌ها عمدتاً غیرمستقیم از حس اثربخشی کنش جمعی بهار عربی الهام گرفتند. آن‌ها همچنین اعتراضات بادوامی بودند که عمدتاً از شیوه‌های ازپیش‌برنامه‌ریزی نشده و برپایی اردو استفاده می‌کردند، به عبارت دیگر از اشغال مستقیم فضای عمومی. [...]

5. Indignados

6. Occupy Wall Street

7. Zuccotti Park



برپایی اردو در بارسلونا، که از سازوکارهای مشارکتی، فوری، و منسجم در فرایندهای برنامه‌ریزی و طراحی شهری بهره می‌برد، نتیجه بسیار مثبتی برجای گذاشت؛ برعکس، سیاست‌های فضای عمومی نیویورک موفقیت جنبش را بسیار سخت‌تر کرد. مدل‌های مالکیت فضای عمومی در این دو شهر کاملاً متفاوت است. اینکه این تفاوت تا چه حد در نتیجه یک جنبش اجتماعی اثر می‌گذارد مسئله‌ای خیره‌کننده است. ما شاهد دو نوع طراحی شهری هستیم: بارسلونا، که طراحی شهری اش بیشتر متمرکز بر ارتباط میان ساکنانش از طریق ترغیب مالکیت عمومی فضای شهری است، و نیویورک، که مالکیت خصوصی فضاهایی را تشویق می‌کند که به طور رایج باید عمومی باشند. تاکتیک‌های شهری‌ای که معترضان به کار گرفتند می‌توانست، در زمینه طراحی فضایی، امکان یا امتناع اثربخشی کنش جمعی را رقم بزند. [...]

### بخش اول: فضای عمومی و اعتراض

فضای عمومی را فضای هیچ‌کس و فضای همه‌کس شناخته‌ایم. به صورت سنتی، در شهرهای ما فضای عمومی جایی است که امر روزمره را در خود جای می‌دهد؛ یعنی جای فعالیت اجتماعی و جایی که حیات و شخصیت را به ارمغان می‌آورد.

فضای عمومی به شهر شخصیت می‌دهد و وظیفه دارد فی‌نفسه حافظه جمعی را معنا ببخشد و حفظ کند؛ حافظه‌ای که به یمن وجود ساکنان شهر، مناظر طبیعی اش، میراث تاریخی اش، فرهنگش و فعالیت‌هایش ممکن می‌شود. در طول سالیان دراز، تاریخ نشان داده است که بخش بزرگی از شهر با فضای عمومی تعریف می‌شود. روابط میان قدرت و شهروندان در صورت بندی خیابان‌ها، پارک‌ها و میادین تجسم می‌یابد؛ آن‌ها در واقع مکان‌های ملاقات شهروندان هستند؛ بنابراین، شهر را می‌توان، به مثابه مجموعه‌ای از عناصر، خیابان‌ها، میادین، امکانات فرهنگی، ایستگاه‌های اتوبوس و قطار، درک کرد. **هرآنچه تحت عنوان فضای جمعی می‌شناسیم محصول شرایطی است که در آن مردم شهر پیوسته آن را تصاحب می‌کنند. این فضاها هستند که اجازه رویاروشدن‌ها و پیاده‌روی‌هایی می‌دهند که هر منطقه از شهر را ممکن می‌کنند، به آن معنا می‌دهند و بروز اجتماعی و منطقه فرهنگی جمعی را به وجود می‌آورند.** این فضاها شهر را به فضایی فیزیکی، سیاسی، و نمادین تبدیل می‌کنند.<sup>۸</sup> بنا به نظر جف هو، «فضاهای عمومی موضوعات انتقادی، اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی زمانه ما را رؤیت پذیر می‌کنند و اجازه می‌دهند شرکت‌کنندگان متنوعی گردهم آیند و منافع و مناظر متفاوتی را به بحث بگذارند.»

می‌شود گفت که فضاها فعالیتی را، که در آن‌ها می‌توان انجام داد، تعریف می‌کنند. فضاها کثرت صورت‌ها و تنوع اجتماعی و فضایی را نمایندگی می‌کنند. [...] یک شهر بدون فضاهای عمومی چیزی جز موانعی بتونی، که ساختمان‌های سربه‌فلک کشیده همه آن را اشغال می‌کند، نخواهد بود. اگر فضایی بیرونی وجود نداشته باشد که به

اشتراک بگذاریم، کودکان فضایی برای بازی، و مردم جایی برای گردهم‌آیی نخواهند داشت. فضای عمومی مشارکت مدنی را ترغیب می‌کند و فعالیت‌های اشتراکی را رواج می‌دهد.

در گذشته، مفهوم فضای عمومی مربوط به فضاهای سبز می‌شد، اما این ایده در طی سال‌ها تغییر کرده است. روشن بود که شهر به فضاهایی، برای ارتقای شرایط سلامت شهروندانش، نیاز دارد، اما تغییری در رویکرد به وجود آمد: از فضای سبز به فضای آزاد. فضای آزاد یعنی یک فضای شهری بیرونی که قهرمان آن عابر پیاده است و فضاهایی برای بازی، تمرین، پیاده‌روی، استراحت، اعتراض، ورزش، اوقات فراغت و... در اختیار اوست؛ فضاهایی که همه‌وهمه نقشی بسیار مهم را ایفا می‌کنند.

اعتراضات نقش مهمی، در میان فعالیت‌هایی که در فضاهای عمومی رخ می‌دهند، بازی می‌کند. [...] جنبش‌ها یا اعتراضات اجتماعی «ابزارهای قدرتمندی برای تغییرند.»<sup>۱۰</sup> به علاوه، جایی هستند که در آن روابط انسانی بدیلی ایجاد می‌شوند؛ جای آزادی بیان که بیرون از نهادها و کانال‌های ارتباطی مرسوم قرار دارد.

دو سال گذشته را به اعتراضات و کنش‌های مدنی مختلف شناخته‌ایم. قتل جورج فلویید (عکس ۲) در ایالات متحده تبدیل به یک خبر بین‌المللی بزرگ شد و همچنین اعتراضات همبستگی با فلسطین (عکس ۳) که در سراسر جهان برگزار شد. آنچه هر دوی این جنبش‌ها در آن مشترک‌اند توجه بین‌المللی‌ای است که جلب کردند. نقش مهم شبکه‌های اجتماعی را نیز در این میان نباید نادیده انگاشت که جهان جدیدی از فعالیت در فضای عمومی را از طریق صفحات گوشی‌های همراه ما ایجاد کرده است. مبادا فراموش کنیم که بدون شجاعت و تمایل معترضان، که سلامت خود را به خطر انداختند - در دوره همه‌گیری کرونا - تا شخصاً به جنگ با بی‌عدالتی بروند، نمی‌توانستیم این اعتراضات را از دور درک کنیم و به واقعیت آن‌ها پی ببریم. این دقیقاً اهمیت فضای عمومی را نشان می‌دهد؛ **مردم هنوز نیاز دارند که «مشکلشان را به خیابان ببرند» تا جایی داشته باشند که برای آن بجنگند و دیده شوند.**<sup>۱۱</sup> به قول جفری هو [...] این مواجهات درونی در فضاهای فیزیکی هستند که روابط عمیق‌تر و عاطفی‌تری را موجب می‌شوند.



عکس ۲



عکس ۳

اعتراضات و جنبش‌های بشردوستانه بودند که برای زنان حق رأی را به‌ارمغان آوردند، حقوق جامعه‌ال‌جی‌بی‌تی کیو<sup>۱۲</sup> را تضمین، و رنگین‌پوستان را از حق شهروندی برخوردار کردند. «مشارکت مدنی باید بخش احتمالی از دموکراسی باشد؛ مشارکت مدنی را نباید تهدیدی برای دولت‌های دموکراتیک به حساب آورد.»<sup>۱۳</sup>

فضای عمومی همیشه بی‌اندازه سیاسی بوده‌است؛ اعتراض امروزین صرفاً اخیرترین جدال میان حاکمان و محکومین است.

### بخش دوم: آنچه یک اعتراض را ممکن می‌کند

ایدئال‌گرایانه اگر بیندیشیم، هیچ مکانی برای اعتراض عالی نیست، این جنبش‌ها می‌توانند در میادین، خیابان‌های اصلی، پارک‌ها یا حتی فضاهای نامتعارفی چون بزرگراه‌ها، پل‌ها، مراکز خرید و غیره رخ دهند. در کنار جنبه طراحی شهری، عوامل دیگری هم می‌توانند در امکان یا امتناع یک اعتراض مؤثر باشند؛ عواملی چون شبکه‌های اجتماعی، سیاست‌های دولت، آب‌وهوا، استراتژی. این بخش از نوشتار، با بررسی دو مورد مطالعاتی بارسلونا و نیویورک، به جنبه فیزیکی و اینکه چگونه طراحی شهری/فضا در این زمینه مؤثر است می‌پردازد.

روز ۱۵ ماه مه سال ۲۰۱۱، جنبش برآشفتگان (ایندیگنادوس) متولد شد. این جنبش در واقع رویدادی اجتماعی بود که برای چندین سال جریان داشت و با مجموعه‌ای از تظاهرات‌های عمومی در سراسر اسپانیا آغاز شد؛ تظاهرات‌هایی که در آن شهروندان ناامیدی خود را از بحران اقتصادی طولانی، که از ۲۰۰۸ آغاز شده بود، و همچنین کاهش کمک‌هزینه‌های اجتماعی و عمومی، که در پی آن رخ داد، نشان دادند. به قول سیلوانو دلا‌یاتا<sup>۱۴</sup>، این اعتراض‌اشغال شش هفته‌ای میدان کاتالونیا در بارسلونا بود (عکس ۵). فعالان جنبش ایندیگنادوس تصمیم به اشغال نمادین‌ترین میدان بارسلونا گرفتند. در آن مدت، برپایی اردو، جلسات بحث‌وگفت‌وگو (عکس ۴)، کارگاه‌های طراحی با شابلون، اجراهای بداهه‌نوازی، جلسات خوانش شعر، نمایش فیلم، نمایش‌های عروسکی، کتابخانه، باغچه اشتراکی، آشپزخانه‌ای که دو بار در طول روز به هزاران نفر غذا می‌داد و مجمعی عمومی را، که حضور در آن برای همه آزاد بود، میزبانی می‌کردند. معترضان برق مصرفی سیستم صوتی این گردهمایی را از طریق دوچرخه تأمین می‌کردند، با اجاق‌های مجهز به انرژی خورشیدی که خود اختراع کرده بودند، غذا می‌پختند و سازه‌های هوشمندانه‌ای را با تیرک‌های چوبی قابل‌بازیافت طراحی کردند. [...]

برپایی اردوی اعتراضی چگونه در سطح محلی توانست نظم فضایی بدیلی را محقق کند و هم‌پای آن نظام‌های قدرت را در سطحی جهانی به چالش بکشد؟<sup>۱۵</sup> [...]

میدان کاتالونیا را قلپ تپنده مرکز شهر بارسلونا توصیف می‌کنند. این محل نقطه وحدت بخش شهر است، نه صرفاً به لحاظ فیزیکی، بلکه از منظری تاریخی؛ جایی که جاده‌های شهر دیوارکشیده شده قدیمی به هم می‌رسند و آغازگاه

12. LGBTQ

13. Dr. Hoffmann, Africa Programme

14. 2015, p. 1

15. S.D. Llata 2015

خیابان‌های جدیدی که مناطق توسعه‌یافته تازه را می‌سازند. [...] پیش از توسعه شهری، تفرجگاهی مقابل دروازه اصلی شهر دیوارکشی شده قدیمی وجود داشت که مردم اصطلاحاً به آن میدان کاتالونیا می‌گفتند. آنجا بازارهای متنوعی وجود داشت؛ به علاوه، در کنار رویدادهای متنوع دیگر، آنجا فستیوال‌ها و جشن‌های مردمی برگزار می‌شد. همه این‌ها نشان از اهمیت چندقرنه این فضا برای زندگی شهری داشت. [...] این میدان اغلب نقطه آغاز گردهمایی‌های جمعی، جشن‌ها و اعتراضات مهمی چون راهپیمایی زنان، در روز ۸ مارس، است. این محل مرکزی است که از آن خیابان‌های اصلی شهر آغاز می‌شوند؛ محلی است که روح بارسلونا را در خود جمع می‌کند.<sup>۱۶</sup>

این میدان یکی از بزرگ‌ترین ایستگاه‌های متروی بارسلونا و همچنین خطوط زیادی از اتوبوس را در خود جای داده است که آن را به گوشه‌گوشه شهر و همچنین به شهرستان‌های اطراف متصل می‌کند. این منطقه همچنین محل تقاطع مهم‌ترین خیابان‌های شهر بارسلونا است. اشاره به هر دوی این عوامل بسیار مهم است، چراکه به روشنی توضیح می‌دهد که دسترسی به این میدان از جاهای دیگر چقدر آسان است. [...]



عکس ۴



عکس ۵



عکس ۶: باجه‌های اطلاعات برای تازه‌واردها برپا شده است.

«فضا چیز علمی جدایی از ایدئولوژی یا سیاست نیست؛ فضا همیشه سیاسی یا استراتژیک بوده است. اگر فضا ظاهری خنثی یا بی‌تفاوت به محتوایش به خود می‌گیرد و در نتیجه انگار کاملاً صوری است و مظهر تجرد منطقی، دقیقاً به این علت است که پیشاپیش به اشغال در آمده، به خدمت گرفته شده، و قبلاً محل توجه فرایندهای پیشینی بوده است که ردپای آن‌ها همیشه در منظره به چشم نمی‌آید. فضا به واسطه عناصر تاریخی و طبیعی صورت می‌پذیرد و شکل می‌گیرد، اما این فرایند فرایندی سیاسی بوده است. فضا سیاسی و ایدئولوژیک است. فضا به معنای واقعی کلمه محصول ایدئولوژی هاست.»<sup>۱۷</sup>

دوم اینکه این پرسش مطرح می‌شود که فضای شهری چطور طراحی می‌شود و چرا برپایی این اردوها در آن فضا این قدر خوب جواب داد؟ (عکس ۷)



عکس ۷: میدان کاتالونیا از نمای بالا

برای اینکه فضا و ساخت آن را درک کنیم، اجازه دهید به کار درخشان فیلسوف و جامعه‌شناس فرانسوی، آنری لوفور<sup>۱۸</sup>، نگاهی بیندازیم. او فضا را همچون پیکره‌ای عینی و منفرد یا ازپیش موجود نسبت به هر فعالیت جمعی درک نمی‌کند. فضا در اندیشه لوفور پیکره‌ای تهی نیست: فضایی فیزیکی که صرفاً به مثابه ظرفی خالی عمل کند که فعالیت انسان در آن رخ می‌دهد، بلکه فضا از نظر او یک ساخت اجتماعی است.

[...] میدان کاتالونیا میدان بزرگی است به وسعت ۵۰۰۰ هکتار فضای باز. این موضوع باعث شد تا معترضان برای سامان‌دهی برپایی اردو آزادی فیزیکی زیادی داشته باشند و با محدودیتی مواجه نشوند. پتر شوارتستاین اهمیت تعداد معترضان را توضیح می‌دهد: «فضاهای باز بزرگ اهمیت مهمتری پیدا کرده‌اند، به‌ویژه میان گروه‌هایی که احتمالاً قبلاً سراغ زمین‌های پراکنده نرفته‌اند، چون دیده‌شدن یعنی شنیده‌شدن.»<sup>۱۹</sup>

برنامه‌ریزی فیزیکی جنبش «ایندیگنادوس» فوری و منسجم بود؛ یعنی جنبش برای هرکسی که می‌خواست مشارکت داشته باشد و در برپایی اردو ایفای نقش کند، گشوده بود؛ بنابراین، ساختار فضایی اردو مدام در حال تغییر بود و از آنجایی که اندازه و پیچیدگی آن داشت افزایش پیدا می‌کرد، هرروز در زمینه برنامه‌ریزی با چالش‌هایی مواجه می‌شد. [...] این جنبش/اعتراض فرصت‌های جدیدی را، برای یادگیری درباره معانی سازوکارهای مشارکتی، فوری و منسجم در فرایندهای برنامه‌ریزی و طراحی شهری و همچنین تحقیق در این مورد که چطور می‌توان بدون حضور برنامه‌ریزان حرفه‌ای فضاهای عمومی را به لحاظ اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ساخت، ایجاد کرد. رویکردهای

18. Henry Lefevre

19. Peter Schwartzstein 2020

منبع بازی که از فرهنگ اینترنت، شبکه های اجتماعی و زیباشناسی دانش اطلاعات اتخاذ شده بودند و در این جنبش ها غلبه داشتند هم در برپایی این اردوها مؤثر بودند.<sup>۲۰</sup>

دیلون وبستر [...] استدلال می کند که عمدتاً اعتراضات، بدون ارتباط و احتمالاً به شکلی آگاهانه، علیه فضاهایی که تعمداً برای فعالیت اختصاص داده شده اند رخ می دهند. او مثالی می آورد دال بر اینکه چطور معترضان، به این علت که اعتراضات را اجرایی فی البداهه می دانستند، طرح هایی را رد کردند که در آن کنشگران با واکنشی جمعی به سرخ های زمانی و فیزیکی به مقصدی می رسند.<sup>۲۱</sup>

**هرچه بیشتر برنامه ریزی کنید، نقشه شما دروغین تر خواهد بود. مردم بسیار خلاق تر خواهند بود، اگر مجبور باشند با چالش هایی که مدام با آن ها مواجه می شوند و پیش رو دارند دست و پنجه نرم کنند؛ سطح جدیدی از سائق و میل متولد می شود.**

برپایی اردو، با گروهی حدود ۱۵۰ نفر در میدان کاتالونیا و تحت تأثیر حس برافروختگی و برآشفتگی، آغاز شد و دو هفته بعد، براساس گفته های پلیس محلی، حدود ۱۲ هزار نفر در آن اردو شرکت کردند.<sup>۲۲</sup> «برپایی اردو همراه با احساس شدیدی از تردید و همچنین امکان آغاز شد.»<sup>۲۳</sup> بنا به گفته دلا یاتا، بیشتر مردم، بدون اینکه چیز زیادی از موضوع بدانند، به میدان رسیدند و پر از پرسش و کنجکاوی بودند؛ بعداً در گفت و گوها و بحث ها شرکت کردند تا در کنار هم دریابند که این اعتراض در چه مورد بود. فضاهای بحث و گفت و گو، که «آگورا»<sup>۲۴</sup> نامیده می شد، در مرکز میدان قرار داشت و به روی هرکسی که مایل بود به بحثی عمومی بپیوندد، گشوده بود. این آگوراها، همچون کمیسیون هایی که بعداً از آن ها منتج شد، مثلاً کمیسیون محیط زیست، اقتصاد، رسانه، مسکن، سلامت، آموزش، به لحاظ موضوعی، دسته بندی نشده بودند، اما این ابهام در هدف آن ها تعمدی بود. زیرساخت های این کمیسیون ها به کمک های مردمی یا آنچه خودشان فراهم آورده بودند تکیه داشت:

«اگر زمانی نیازهای کمیسیون ها تأمین نشود، در آن واحد، به همین منظور، دنبال منابع می گردیم. اگر کسی به یک نیاز احتیاج داشته باشد، ما به دنبال کسی می گردیم که بتواند یک میز به ما بدهد. کمیسیون در روز اول وقتی تأسیس شد که اولین کمیسیون ها برای پاسخ به نیازهای زیرساختی (تخته، میز، کاغذ، و غیره) تشکیل شدند. از آنجا بود که ما رشد کردیم و وظایف مختلفی را انجام دادیم [...] حالا حدود ۲۵ نفر هستیم که به شکل چرخشی کار می کنیم. ما گروه های کاری متفاوتی ایجاد کرده ایم و در جلسات کوچکی تصمیم می گیریم.» (گزیده ای از مصاحبه با یکی از شرکت کنندگان در کمیسیون زیرساخت)<sup>۲۵</sup>

20. Castells and Hernandez 2012, Fuster Morell 2012; S.D. Llata 2015

21. B. Upmeyer 2021

22. Mondelo 2011

23. S.D. Llata 2015

25. 15Mbcn.tv, 2011 in S.D. Llata, 2015



شب‌هنگام، همین فضا پر می‌شد از آدم‌هایی که در کیسه‌های خواب خود به خواب می‌رفتند. هرچه اردو به لحاظ اندازه و پیچیدگی افزایش می‌یافت، این فرایند خود را هر روز تکرار می‌کرد. روابط نوپدید میان اجتماع اردوزدگان ایجاد شده بود؛ آن‌ها از یکدیگر می‌آموختند و به همدیگر یاری می‌رساندند.

به‌رغم تلاش‌های اولیه‌ای که برای تخلیه میدان کاتالونیا در بارسلونا صورت گرفت، [در نتیجه] اشغال، این میدان تبدیل به اردوگاهی مستحکم و باثبات شد، به‌شکلی منسجم رشد یافت و به‌لحاظ جغرافیایی، درون و بیرون مرزهای اسپانیا گسترش پیدا کرد. نهایتاً، اردوگاه به‌خاطر مسائل امنیتی، بهداشتی و چالش‌های سازمانی، که معترضان با آن روبه‌رو بودند، تخلیه شد. [...] البته این جنبش روی هم‌رفته تجربه‌ای استثنایی با رویکردهای برنامه‌ریزی متفاوت بود. [...] همچنین آغاز بسیج مردمی عمده دیگری بود که شعار «خیابان‌ها را اشغال کنید» را به شعار «میدان را اشغال کنید» تبدیل کرد و قدم دیگری به سوی از آن خودسازی فضای شهری برداشت.<sup>۲۶</sup> نهایتاً جنبش ایندیگنادوس موفق شد یک حزب سیاسی جدید در اسپانیا را پایه‌گذاری کند و استحکام ببخشد. [...]

### بخش سوم: آنچه یک اعتراض را مانع می‌شود

اعتراضات/جنبش‌های موفق روی یکدیگر تأثیر می‌گذارند و اعتراضات/جنبش‌های جدید تلاش می‌کنند موفقیت‌های استراتژیک آن‌ها را به‌کار بگیرند. ایندیگنادوس اسپانیا (در ماه مه ۲۰۱۱) حس تأثیرگذاری کنش جمعی را عمدتاً، به‌واسطه ابزارهایی غیرمستقیم، از بهار عربی (در ماه دسامبر ۲۰۱۰) به‌ارث برد. این جنبش اسپانیایی بعداً «بقیه اروپا را به مشارکت و داشت و اثری دومینووار در سراسر قاره - و با جنبش «وال استریت را اشغال کنید» (در ماه سپتامبر ۲۰۱۱) - حتی فراسوی قاره ایجاد کرد.»<sup>۲۷</sup>

بخش دوم این جستار عواملی را بررسی می‌کند که در شکست یک اعتراض در زمینه‌ای فضایی-فیزیکی سهم دارند. چهار روز پس از تخلیه نهایی جنبش «ایندیگنادوس» از مادرید و بارسلونا، گروهی از نیویورکی‌ها بیرون شورای شهر خود اردو زدند و به سیاست‌های ریاضت اقتصادی شهردار، یعنی مایکل بلومبرگ،<sup>۲۸</sup> اعتراض کردند. این رویداد، که به بلومبرگ‌ویل<sup>۲۹</sup> معروف شد، سه هفته طول کشید و پس از پذیرش بودجه شهری جدید به کار خود پایان داد.<sup>۳۰</sup> مدتی بعد، چند اعتراض دیگر در شهر رخ داد [...] و همین زمان بود که مجله کانادایی آدباسترز<sup>۳۱</sup> در توییتی ا.دابلو.اس.<sup>۳۲</sup> را کلید زد: «روز هفدهم سپتامبر به منتهن جنوبی بریزید، چادر بزنید، آشپزخانه برپا کنید، سنگ‌های صلح طلبانه بچینید و وال استریت را اشغال کنید.»<sup>۳۳</sup>

26. S. M. Roldan 2011, p. 28

27. Voulgarelis 2012: 171-172; E. Romanos, p. 104

28. Michael Bloomberg

29. Bloombergville

30. E. Romanos, p. 106

31. Adbusters

32. OWS: Occupy Wall Street

33. A. Roberts 2012, p. 755

در آن روز، آن‌ها انتظار ۲۰ هزار نفر را می‌کشیدند، اما فقط سروکلهٔ صدها نفر از معترضانی پیدا شد که از منطقهٔ مالی نیویورک حرکت کرده بودند و در پارک زاکوتی اردو زده بودند، چراکه موانع فلزی مسیر آن‌ها را به سوی وال استریت سد کرده بود. این جنبش، با نام «وال استریت را اشغال کنید»، شناخته شد، جنبشی اعتراضی علیه نابرابری و بی‌عدالتی اقتصادی که حدود دو ماه ادامه داشت و به ۲۸ شهر دیگر آمریکا کشیده شد.<sup>۳۴</sup>

برخی معتقدند این جنبش یک پیروزی بود، چون توانست مباحثه‌ای جهانی را، که تا به امروز ادامه دارد، دربارهٔ نابرابری ثروت به راه بیندازد و همچنین زمینه‌ای را فراهم کرد تا حزب دموکرات به سوی اندیشه‌های چپ‌گرایانه بیشتر تمایل پیدا کند. [...] دیگران اما این جنبش را شکستی کامل می‌بینند. نابرابری درآمد به شدت همیشه است. یکی از سازمان‌دهندگان اولیهٔ جنبش می‌گوید: «به زمان جنبش وال استریت را اشغال کن که برگردیم، می‌بینیم همه چیز بد بود، اما به بدی امروز نبود.»<sup>۳۵</sup> محدودیت‌های فضایی و فیزیکی‌ای که منجر به شکست این جنبش شد چه بودند؟

اول، فضای عمومی. هرچند شرکت‌کنندگان در این جنبش وامدار برنامه‌ریزی منسجم و مبتنی بر گروه جنبش بهار عربی بودند، آن‌ها مشکل بزرگی را پیش‌رو داشتند که این مشکل را جنبش ایندیگنادوس در میدان کاتالونیا نداشت: «فضاهای عمومی با مالکیت خصوصی»<sup>۳۶</sup>.

«موضوع دربارهٔ پارک زاکوتی این است که آن یک پارک نیست؛ برعکس، فضایی عمومی با مالکیت خصوصی است که چند خیابان از مرکز تجارت جهانی سابق فاصله دارد، با پیاده‌روی گرانیتی و چند درخت اطرافش. در بریتانیا به چنین چیزی یک میدان کوچک می‌گویند، اما، به علت وضعیت خصوصی‌اش، به شکلی در برابر تخلیهٔ فوری محافظت می‌شود.»<sup>۳۷</sup> معترضان در ابتدا از برپا کردن چادر منع شدند و به همین علت در کیسه‌های خواب یا زیر پتو خوابیدند. آن‌ها سپس موفق شدند چادرها را برای مدتی برپا کنند؛ هرچند نهایتاً هشدار مبنی بر ممنوعیت استفاده از کیسه‌های خواب، چادر یا پارچهٔ مشمایی، به علت نبود بهداشت و شرایط خطرناک، از مالک پارک دریافت کردند. این هشدار پلیس به تخلیهٔ معترضان از پارک در تاریخ ۱۵ نوامبر نیویورک منجر شد.<sup>۳۸</sup> [...]

این پارگراف به مشکل بعدی می‌پردازد: معماری خصومت‌آمیز نیویورک و طراحی پارک زاکوتی. **حجم زیاد فضاهای عمومی با مالکیت خصوصی در نیویورک منجر به معماری خصومت‌آمیز بسیاری پیرامون شهر می‌شود که جمعیت بی‌پناه را هدف قرار می‌دهد. به گفتهٔ مالکان، این شیوه‌ای است برای «حفظ نظم و اطمینان از امنیت عمومی».** جِرد اس. کیدِن،<sup>۳۹</sup> استاد برنامه‌ریزی و طراحی شهری دانشگاه هاروارد تعداد زیادی از میخ‌های بلند، میله‌ها، نرده‌ها و دیگر موانع روی نیکمت‌ها و لبهٔ این فضاها را ثبت کرده‌است. این، به اصطلاح، «فضاهای عمومی» ناگهان کاملاً به ضد خود تبدیل می‌شوند. این فضا مانعی بسیار آشکار بین مسئولان و شهروندان ایجاد می‌کند. مثالی

34. A. Anthony 2021

35. Johnson, Newsham, Ramaswamy, Ungarino, Ball, Stephanis 2021

36. POPS: Privately Owned Public Space

37. A. Anthony 2021

38. "Occupy Wall Street", n.d.

39. Jerold S. Kayden

روشن در این مورد میدان عمومی در خیابان پنجاه و ششم شرقی و خیابان سوم در میدتاون منتهن است. چون هیچ میز یا صندلی‌ای وجود نداشت، کارمندان دفتری مجبور بودند برای استراحتی کوتاه به دیوار تکیه دهند (عکس ۸). شان اورلندوی ۴۴ ساله، که غذابه دست روی پله‌ها نشسته است، می‌گوید: «پیام این است که اینجا را پاتوق نکنید.»؛ «اینجا واقعاً حس یک فضای عمومی را نمی‌دهد. انگار می‌خواهند نگذارند مردم از آن استفاده کنند.» ۴۰٪ از سوی دیگر، هرچند پارک زا کوتی یکی از «بزرگترین» پارک‌های خصوصی در شهر است، در آن حتی یک وجب فضای سبزی که مردم بتوانند از آن استفاده کنند وجود ندارد. علاوه بر اینکه معترضان اجازه نداشتند از چادر یا کیسه خواب استفاده کنند، آن‌ها از درازکشیدن روی نیمکت‌ها نیز منع شده بودند؛ [...] مساحت پارک بیش از ۳۰ هزار متر مربع است و با چهار خیابان محصور شده است (عکس ۹) که فضا را برای هر نوعی از اعتراض گسترده، چون «وال استریت را اشغال کن»، کوچک و محدود می‌سازد. [...]



عکس ۸



عکس ۹

### نتیجه‌گیری

[...] چیزی تحت‌عنوان طراحی یک مکان مشخصاً برای اعتراض وجود ندارد. اساساً این طراحی اغلب برآمده از کنش‌هایی فوری است که براساس هر روایت/موقعیت رخ می‌دهد. [...] هرشهری بر اعتراضاتش به نحوی متفاوت اثر می‌گذارد؛ هرکدام از این شهرها سیاست‌های شهری، طراحی، استفاده از زمین و الگوهای مالکیت مختص به خود را دارند. [...] توانایی اعتراض مؤثر در فضای عمومی، امروز، از همیشه ضروری‌تر است. در بریتانیا، اخیراً شاهد اعتراضات مربوط به تغییرات آب‌وهوایی و تأثیر آن‌ها بر جامعه بوده‌ایم. این اعتراضات ادامه خواهند یافت و هم‌پای آن‌ها دیگر اعتراضات سر بر خواهند آورد. طراحی شهری مدرن در فضای واقعاً عمومی در درجه‌اول در اطمینان یافتن از امکان اعتراضات دموکراتیک ضروری است. معماری خصومت‌آمیز و قوانین برنامه‌ریزی بر گزینه‌ها و انتخاب‌های ما در ریختن به خیابان و سردادن فریاد تغییر مهر رد می‌زنند. روابط اجتماعی و تغییر ارتباط تنگاتنگی با فضای شهری دارند و این موضوعی است که باید برنامه‌ریزان و معماران شهری به آن توجه داشته باشند. **مردم همیشه از فضای عمومی برای هدفی که به آن منظور طراحی شده‌است استفاده نمی‌کنند، بلکه همین موضوع است که بافت شهرهای ما را تا این حد جذاب می‌سازد و اطمینان می‌دهد که مردم واقعاً با فضای شهری پیوند دارند و در ساخت آینده‌ی خویش سهیم‌اند.**

چنانچه به مطالعه‌ی متن کامل این مقاله و فهرست منابع آن علاقه دارید، به پیوند زیر بروید:

<https://rahman.org.ir/2023/07/12/city-design-and-protest/>

## میدان‌های شهر چگونه قابلیت پیدا می‌کنند مکان‌های عمومی اعتراض باشند یا مراکز نظارت حکومتی؟

نویسنده: مجدی فالج

مترجم: حورانیک بخت



هفت سال پس از آنکه میدان تحریر به نقطه مرکزی انقلاب مصر بدل شد، اکنون، برج‌های مرتفع فلزی مانع ورود به آن می‌شوند.

### فضاهای عمومی شهری امروزی، به جای بازنمایی مردم و شهروندان، دولت‌ها و شهرها را معرفی و نمایندگی

می‌کنند. در هفت سال گذشته، در میدان‌های شهرها در سراسر جهان عرب و اروپا، صحنه‌هایی غم‌انگیز از اعتراضات را دیده‌ایم، اما این اعتراضات عمومی مدت‌ها قبل از قرن بیست و یکم [هم] بوده‌است؛ پس چگونه میدان‌های شهر با ویژگی‌ها و موقعیت مکانی‌شان قابلیت پیدا می‌کنند حامی اعتراضات باشند یا از آن‌ها جلوگیری کنند؟

میدان‌های عمومی را، از زمان آگورای<sup>۴۱</sup> یونان و فروم<sup>۴۲</sup> رومی، مکان ملاقات و تبادل نظر به حساب می‌آورده‌اند. این فضاها، درحالی‌که اغلب جایگاه اعتراض‌اند، ممکن است مفهوم قدرت را نیز منعکس کنند و انقلاب‌ها و قیام‌های اجتماعی را محدود سازند. می‌توان از طراحی و صحنه‌آرایی برای تشدید آگورافوبیا یا ترس از فضاهای عمومی

۴۱. به میدان‌های عمومی مهم در شهرهای یونان باستان آگورا می‌گفتند. - م.

۴۲. یک فروم (پلازا یا میدان) مستطیل شکل بود و با چندین ساختمان مهم دولتی در مرکز شهر رم احاطه می‌شد. شهروندان شهر باستانی به این فضا، که در اصل یک بازار بود، با عنوان فروم مگنوم یا صرفاً فروم اشاره می‌کردند. قرن‌ها فروم مرکز زندگی روزمره در رم بود: محل برگزاری تظاهرات و انتخابات، برگزاری سخنرانی‌های عمومی، محاکمات جنایی و مسابقه‌های گلاادیاتوری و هسته امور بازرگانی. - م.

استفاده کرد؛ بنابراین گاهی اوقات ممکن است این فضاهای نمود و نمایش حضور مردم آرام یا ساکت شوند و جغرافیای آزادی بیان را به خطر بیندازند.

## تذکراتی درباره قدرت حکومت

**فضاهای عمومی در سراسر جهان نه تنها جایی برای تجمع و تعامل مردم، بلکه محلی برای تظاهرات و گاهی برای رویایی با مرگشان بوده است.**

در سال ۲۰۱۴، میدان استقلال<sup>۴۳</sup> در کی‌یف در مرکز انقلاب یورومیدان<sup>۴۴</sup> اوکراین قرار داشت. آن واقعه انقلابی مرگبار برای [بازپس‌گیری] شرافت بود؛ با این حال، پیامدهای اعتراضات دیگر تا حد زیادی نشان می‌دهد که چگونه طراحی این فضاها می‌تواند معترضان را بترساند.

در سال ۱۹۸۹، در پکن، دانشجویان در جریان اعتراضات موسوم به میدان تیان‌آن‌من<sup>۴۵</sup> تظاهرات کردند؛ تظاهراتی که به یک قتل‌عام منتهی شد. براساس وصف و شرح اِون اَزُنس<sup>۴۶</sup>، این میدان عظیم شهر پایتخت اکنون به علت «خلأ شگفت‌انگیز»ش شناخته شده است. نیمکت‌ها و سایبان درختان را برای جلوگیری از تجمعات عمومی برداشته اند.

آثار تاریخی به جامانده از شهر ممنوعه و ساختمان‌های دولتی، از جمله تالار بزرگ مردم، بر احساس پوچی و ترس می‌افزاید. میدان عمومی ۴۴هکتاری را اکنون «در تضاد با فضای عمومی» می‌دانند: ابعاد تمامیت‌خواهش فرد را کوتوله می‌کند (جلو‌رشد فرد را می‌گیرد) و مردم را وادار می‌کند که در برابر قدرت حکومت احساس فرمانبرداری کنند. می‌توان شباهت‌هایی چشمگیر را، از لحاظ ابعاد و شرایط موقعیت، با میدان سرخ در مسکو مشاهده کرد. میدان سرخ صحنه‌ی تظاهرات سال ۱۹۶۸ علیه تهاجم شوروی به چکوسلوواکیا بود، نقطه عطفی در جنبش مخالفان شوروی.

در مصر، هفت سال پس از انقلابی که حُسنی مبارک را سرنگون کرد، مردم [همچنان] درخصوص بیان نظرات خود در ملاء عام محتاط‌اند. میدان تحریر، زادگاه اعتراضات، در خطر است. دروازه‌های فلزی سربه‌فلک‌کشیده‌ای را در اطراف میدان بنا کرده‌اند تا از اعتراضات جلوگیری کنند. این‌ها درحکم یادآوری نظارت قدرتمند حکومتی است که رژیم عبدالفتاح السیسی دوباره بر فضاهای عمومی اعمال کرده است.

43. Maidan Nezalezhnosti

۴۴. میدان اروپا اصطلاحی است که به موج اعتراضات و ناآرامی‌های مردمی در اوکراین اطلاق می‌شود؛ آغازگر آن‌ها تظاهرات مردمی شب ۲۱ نوامبر سال ۲۰۱۳ در کی‌یف، به قصد تحقق اتحاد و یکپارچگی بیشتر با اتحادیه اروپا، قلمداد می‌شود. . م.

45. Tiananmen

46. Evan Osnos

## اعتراض در جهان عرب: تونس

خیابان حبیب بورقیبه<sup>۴۷</sup> تونس صحنه اصلی انقلاب تونس در سال ۲۰۱۱ بود. این فضای عمومی، که قلب تاریخی، سیاسی و اقتصادی شهر به حساب می‌آید، وسیع است و دو طرفش پوشیده از درختان و ساختمان‌های دولتی، هتل‌ها و کافه‌های خیابانی. دو جاده آسفالت شده و پررفت‌وآمد، در دو طرف نوار وسط، «جزیره» عابریاده را مجزا و منزوی می‌کنند.



خیابان حبیب بورقیبه. مجدی فالج

این صحنه‌پردازی خیابان نشان‌دهنده قدرت، نظارت و ممنوعیت اعتراضات در طول ۲۳ سال دیکتاتوری است. دیگر عناصر ترسناک طراحی محوطه بر موانعی برای تظاهرکنندگان می‌افزاید؛ کسانی که ممکن است بخواهند از فضای عمومی برای گفت‌وگوهای سیاسی استفاده کنند؛ به‌رغم ترساندن از راه طراحی، ساختار تونس از لَوْنو<sup>۴۸</sup> - همان‌طور که تونسی‌ها دوست دارند آن را بنامند - عرصه‌ای عالی برای اجرای بهار عربی ساخت. درگیری پلیس و معترضان در قیام مردمی دیکتاتور دیرینه تونس را در سال ۲۰۱۱ مجبور به فرار کرد. این خیابان را، که در زمان استعمار فرانسه (۱۸۸۱-۱۹۵۶) برای نخبگان شهر تدارک دیده بودند، شبیه خیابان پاریسی شانزده‌لیزه است. جالب اینجاست که حتی بلوارهای مشهور پاریسی اوسمان<sup>۴۹</sup> را، که در دوران ناپلئون سوم در دهه ۱۸۶۰ ساخته بودند، برای کمک به سرکوب جمعیت نافرمان شهر طراحی کرده بودند.

از نظر استراتژیکی، وزارت کشور، که نمادی از دیکتاتوری و نظارت است، در نزدیکی انتهای خیابان حبیب بورقیبه قرار دارد. سردر خاکستری «عبوس» و پنجره‌ها و دروازه‌های فرفورژه سیاه‌رنگ حس کنترل‌شدن را القا می‌کند.

۴۷. الحبيب بورقيبة

48. L'Avenue

49. Haussmann

معماری زبره‌کاری<sup>۵۰</sup> آن، که در معماری شباهت‌هایی با مقراف‌بی‌آی در واشنگتن دی‌سی دارد، در شکل‌دادن به فضای عمومی سهم دارد. در زمان اعتراضات، حصارهای سیم‌خاردار خیابان را احاطه کرده‌است. طراحی محوطه اطراف وزارتخانه در جلوگیری از نزدیک شدن معترضان به بنای یادبود کنترل نقش داشت.

نام اولین رئیس‌جمهور تونس را بر خیابان حبیب بورقبیه گذاشته‌اند؛ این سبک نام‌گذاری یک سنت برای خیابان‌های اصلی در شهرهای تونس است. با جست‌وجویی ساده در گوگل، فهرستی از شهرهای بزرگ و کوچک تونس به دست می‌آید؛ شهرهایی که به استفاده از این نظام استبدادی نامگذاری سیاسی، در حکم ابزار کنترل، تن داده‌اند. **تصویر قدرت و کنترل با نام مکان شروع می‌شود.** این تصویر در انتهای خیابان و در تقاطع با مکان از پیش شناخته‌شده<sup>۷</sup> نوامبر، که براساس تاریخ به قدرت رسیدن بن علی دیکتاتور سابق در یک کودتا نامگذاری شده است، ادامه می‌یابد.



باغ محصورشده<sup>۷</sup> ابن خلدون با بنر دیکتاتور بن علی در پس‌زمینه (۲۰۰۹)؛ به زبان عربی می‌خواند: «در عمل، تمام آنچه می‌خواهم برای تونس است». مجدی فالح

در دوران دیکتاتوری، معماران در شکل‌دادن به برخوردهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در فضاهای عمومی نقشی کارآمد نداشتند. فضاهای عمومی معاصر در تونس را بزدلانه یا حاشیه‌ای طراحی کرده‌اند که درگیری‌هایی را میان معماری، مردم محلی و دولت سرکوبگر ایجاد کرده‌است. حتی طراحی فضاهای سبز را نیز براساس سیاست‌ها برنامه‌ریزی کرده بودند، اما برنامه‌ها هرگز عملی نشدند. بسیاری از آن‌ها را با مراکز تجاری جایگزین کردند.

حصارهای فلزی از ویژگی‌های چشمگیر منظره‌سازی اطراف مجسمه<sup>۷</sup> ابن خلدون، باغ‌های کوچک و پارک‌های



عمومی‌اند. حصارها این فضاها را به پارک‌های محصور و گاه حاشیه‌ای بدل کردند. بنرهای تبلیغاتی بزرگ دیکتاتور سابق عنصر ترس را به این فضاهای عمومی افزود و به بازدارندگی معترضان کمک کرد. املاک دولتی محصور باعث ایجاد حس ارباب و محدودیت می‌شوند.

### طراحی برای اعتراضات: دیدگاه یک معمار

در طراحی میدان‌ها و خیابان‌های عمومی، معماران باید از این تنگناهای گذشته درس بگیرند. **میدان عمومی نباید به مثابه ملک دردار شهر یا مانند یک باغ محصور در دیوار نشان داده شود. میدان عمومی باید فضایی باشد که فرصتی برای شهروندان فراهم سازد تا در بحث‌های سیاسی و اجتماعی شرکت کنند.**

در پی بهار عربی، بازنگری در کیفیت مکان فضاهای عمومی ضروری است تا مکان‌هایی مناسب را برای شهروندان «رها از قید سنت» فراهم کنند برای اینکه بتوانند دیدگاه‌های سیاسی‌شان را اظهار کنند و بیان فرهنگی آزاد داشته باشند. در دوران پس از انقلاب تونس، فضاهای عمومی را به طرز فزاینده به مکان‌هایی برای بیان و مشارکت اجتماعی بدل کرده‌اند. دولت‌ها، نه تنها در تونس، بلکه در همه کشورهای باید ساخت خیابان‌هایی را برای هنرمندان و معترضان برنامه‌ریزی کنند تا آن‌ها عرصه‌هایی برای رویدادهای خود خلق کنند و افکار خود را با دیگران در میان بگذارند. تونس هنوز راهی دراز در پیش دارد.

## تعاملات اجتماعی<sup>۵۱</sup>

نویسنده: کارولین هالند و دیگران

مترجم: نجمه واحدی

فضای عمومی پیشرفته غالباً، با عنوان فضایی برای بزرگسالان، توصیف شده است؛ (ولنتاین، ۱۹۹۶) فضایی که در آن نگرش‌ها و آداب بزرگسالان جریان دارد، حال آنکه ادراک و اولویت‌های کودکان و جوانان به ندرت در آن نمایان است. [...] این فصل به فعالیت‌های گروه‌های حاشیه‌ای تر - افراد جوان تر و مسن تر و همچنین افرادی که از نظر اجتماعی به حاشیه رانده شده‌اند - و نیز به تعاملات درون و بین این گروه‌ها در میدان مشاهده می‌پردازد و مفاهیم مربوط به فضاهای عمومی را، به عنوان مکان‌هایی دربرگیرنده اعضای مختلف جامعه، بررسی می‌کند.

### گروه‌های سنی گوناگون در فضاهای عمومی

#### کودکان و خردسالان

به جز زمین‌های بازی معین، فضاهای عمومی در مقیاس بزرگسالان ساخته، و تجهیز شده است و پاسخگوی نیازهای آن‌هاست نه نیازهای خردسالان در سنین پیش دبستانی و دبستان. [...] نیازهای کودکان و جوانان، به عنوان یکی از پارامترهای تعیین کننده در طراحی فضای عمومی، مورد پذیرش جهانی قرار نگرفته است. کودکان دبستانی یا کوچک تر به ندرت در مکان‌های عمومی بدون همراه دیده می‌شدند. [...] آن‌ها عمدتاً از وسایل بازی و محوطه چمن کاری اطراف آن استفاده می‌کردند. هنگامی که گروه‌هایی از کودکان بزرگ تر و بزرگسالان وجود داشتند، کودکان کوچک تر از آن‌ها دوری می‌کردند. کودکان خردسال به ندرت، در همان قسمتی از پارک که «می‌گساران خیابانی» حضور داشتند یا در زمین اسکیت، دیده می‌شدند. آن‌ها و والدینشان به ندرت از نیمکت‌های دوطرفه خانوادگی و زمین بازی کودکان دورتر می‌رفتند؛ شاید آن‌ها از گروه‌های دیگری در پارک، که ایشان را تهدیدی برای خود می‌پنداشتند، دوری می‌کردند. این در حالی است که بزرگسالان می‌گساربی/خانمان/بیکار هرگز به سمت این نیمکت‌ها یا زمین بازی کودکان نمی‌رفتند.



پارک ویل: لذت بردن از اسباب بازی های جدید

در فضاهای عمومی، کودکان خردسال با مشاهده ظاهر و نحوه رفتار غریبه‌ها، نحوه تعامل مراقبان آن‌ها با غریبه‌ها و نیز نحوه رفتار در جمع می‌توانند درباره رفتار اجتماعی بیاموزند. سیاست‌های ابتکاری برای توسعه فضاهای عمومی یکپارچه باید شامل نیازهای خانواده‌ها و کودکان کوچک باشد تا بتوانند در زندگی عمومی شهر سهمی داشته باشند.

### نوجوانان و جوانان

نوجوانان (حدود ۱۱-۱۵ سال) و افراد جوان (حدود ۱۶-۱۹ سال) بیشتر از بزرگسالان در فضای عمومی در همه مکان‌ها و در طول زمان‌های مختلفی از روز در گروه‌های بزرگ جمع می‌شوند، به خصوص خارج از ساعات مدرسه و در تعطیلات. در نظرسنجی‌ها و مصاحبه‌ها، پاسخگویان عموماً از تجمعات نوجوانان و جوانان، به عنوان مشکلی در فضای عمومی، که می‌تواند دیگران را بترساند، یاد کردند و معتقد بودند که این تجمعات منشأ رفتارهای پرخطر و جنایات کوچک هستند. [...] مشاهدات همچنین ریزجغرافیایی دقیق از مکان‌هایی را نشان داد که جوانان ترجیح می‌دادند آن‌ها را «پاتوق» کنند.

### زمین اسکیت

زمین مخصوص اسکیت در پارک ویل با دیوارنگاره‌های گروهی «رسمی» تزیین شد تا از نوع غیررسمی آن جلوگیری شود. [...] در خارج از ساعات مدرسه و در تابستان، گروه‌هایی از نوجوانان کم‌سن‌وسال‌تر از این زمین اسکیت بسیار استفاده می‌کردند. [...] «جوانان در زمین اسکیت باهوش بودند و به پروژه، دنیا و امکاناتی که ارائه می‌شد اشتیاق نشان می‌دادند؛ آن‌ها چیزهای زیادی در مورد اتفاقات روز می‌دانستند و به طور کلی در مورد چیزهای مختلف نگرشی مثبت و پذیرا داشتند که موضوعی شگفت‌آور بود.»

با این حال، از مصاحبه با این جوانان و کسبه محل، به نظر می‌رسد که مشکلاتی بین آن‌ها و سایر گروه‌های جوان وجود دارد؛ به خصوص در اواخر روز، زمانی که افراد کمتری در پارک حضور دارند. یک شاهد محلی گفت: «پارک تاریک بود و هیچ چراغی وجود نداشت و تعدادی از جوانان در آنجا در دسر ایجاد می‌کردند؛ انگار از پارک به محله کینگزبری آواره شدند. این روشی است که به همه بگویند که ببینید ما در کینگزبری هستیم، زیرا کسی در پارک از ما مراقبت نمی‌کند.»

هنگامی که کینگزبری، در زمستان سال ۲۰۰۴، بازگشایی شد، اسکیت بردسواران یکی از مشتریان پروپاقرص آن بودند و تعداد کمی از جوانان - و گهگاهی بزرگسالان - در مرکز شهر در حال اسکیت سواری دیده می‌شدند. [...]

### آلاچیق‌های اجرای موسیقی

[...] در آلاچیق‌های موسیقی پارک ویل، گروه‌هایی از جوانان - برخی با لباس مدرسه - و گاهی زوج‌های جوان دور هم جمع می‌شدند. موقعیت مرتفع آن به پارک منظره خوبی می‌داد و پناهگاهی در برابر باران فراهم می‌کرد. در اینجا، جوانان می‌توانستند ببینند چه کسی به آن‌ها نزدیک می‌شود و با وجودی که در مکانی بسیار عمومی بود، می‌توانستند فضایی نسبتاً خصوصی داشته باشند. دختران و پسران کوچک‌تر از جایگاه موسیقی برای صحبت کردن، خوردن، نوشیدن و سیگار کشیدن استفاده می‌کردند. این را می‌توان، به عنوان شکلی از رفتار قلمروخواهانه<sup>۵۲</sup> در یک مکان غیررسمی، درک کرد که در آن یک گروه مالکیت خود را توسعه می‌دهد، احساس امنیت می‌کند و قادر به حفظ درجه‌ای از حریم خصوصی است. (آلتمن، ۱۹۷۵)



پارک ویل: آلاچیق موسیقی

۵۲. در علم جانورشناسی، به شیوه‌هایی اطلاق می‌شود که به واسطه آن‌ها یک حیوان یا گروهی از حیوانات از قلمروی خود، در برابر مزاحمت‌های دیگر گونه‌های جانوری، محافظت می‌کند... م

آلاچیق موسیقی در فرفورد لیس، بسیار بیشتر در معرض دید قرار داشت. افرادی که از آن بهره می‌بردند توجه هر عابری را به خود جلب می‌کردند. جوانان در گروه‌های دو و سه نفره زمان زیادی را صرف نشستن در اطراف این آلاچیق اجرای موسیقی می‌کردند و اغلب زباله‌ها و باقیمانده فست‌فود خود را آنجا می‌ریختند. جز عابران، این جوانان اغلب تنها افرادی بودند که در طول روز از این مکان استفاده می‌کردند. در شب، گاهی اوقات تعداد بسیار بیشتری از این جوانان در اطراف جایگاه موسیقی تجمع می‌کردند و با سروصدایشان باعث آزار مردم ساکن در آپارتمان‌های اطراف میدان می‌شدند. آلاچیق‌های موسیقی نشان از خرابکاری داشتند: دیوارنگاره‌ها، آسیب‌های ناشی از اسکیت‌بردها و دوچرخه‌ها و ریشه‌های پاره‌شده چراغ‌های کریسمس. این بار هم ساکنان محلی این آسیب‌ها را به جوانانی که از شهرک‌های مسکونی همجوار وارد شده بودند نسبت دادند.

در مصاحبه‌ها، جوانان گفتند که در آلاچیق موسیقی نشسته‌اند، زیرا در فرفورد لیس کار دیگری برای انجام دادن نیست. از این نظر با آلاچیق موسیقی پارک ویل، که مکانی برای ملاقات بود، تفاوت داشت. [...] یکی از مقامات محلی می‌گوید:

«همه مغازه‌هایی که اینجا هستند کمک می‌کنند تا آلاچیق موسیقی پابرجا بماند؛ مشاجرات فراوان باعث شد که ساخت آن یک سال طول بکشد، اما، از آن زمان، بچه‌ها با اسکیت‌بردها و دوچرخه‌های بی‌ام‌ایکس‌شان آن را خراب کرده‌اند و هزاران هزار پوند هزینه برداشته‌است. ما سعی می‌کنیم آن را درست کنیم، زباله‌ها را برداریم و آنجا را مرتب کنیم... این هم مانند همه صحنه‌های موسیقی در تاریخ است.»

## مراکز خرید

آخر هفته‌ها و در تعطیلات، گروه‌های زیادی از جوانان در مرکز شهر و مراکز خرید نیز جمع می‌شدند. هنگامی که به جمعیت بزرگی تبدیل می‌شدند، افراد دیگری که در کنار آن‌ها راه می‌رفتند یا به دنبال جایی برای نشستن بودند، به شکل قابل توجهی فاصله بین خود و این جوانان را حفظ می‌کردند. در میدان فرایرز،<sup>۵۳</sup> قبل از اینکه مأمورهای حراست، که در مرکز گشت‌زنی می‌کردند، جوان‌ترها را پراکنده کنند، گاهی در نزدیکی آب‌نما جمع می‌شدند؛ جایی که فضایی برای تجمع وجود داشت. گروه‌های کوچک‌تری از جوانان - و گاهی اوقات کودکان - گاهی در اطراف ورودی پشتی ناخوشایند میدان فرایرز بی‌هدف پرسه می‌زدند؛ جایی که، مانند خریداران و کارکنان بزرگ‌سال، می‌توانستند بدون مزاحمت سیگار بکشند. در والتون کورت،<sup>۵۴</sup> نوجوانان و جوانان از فضای مرکزی برای ملاقات با دوستانشان استفاده می‌کردند. در طول سال، به‌ویژه در بعدازظهرها و عصرهای تابستانی، فضای منطقه خرید را به طرز چشمگیری گروه‌هایی از جوانان کنترل می‌کردند. آن‌ها گاهی، به جای زمین بازی، در مناطق خرید توپ‌بازی می‌کردند یا گه‌گاه از چرخ دستی‌های خرید، به جای اسکیت‌بورد، استفاده می‌کردند و با آن‌ها ویراژ می‌دادند. مثل بزرگ‌ترهایشان، روی نیمکت می‌نشستند، سیگار می‌کشیدند و با موبایل صحبت می‌کردند. [...] عصرها، گاهی اوقات، گروه‌های جوانان بسیار بزرگ و پرتعداد می‌شدند (۲۰ نفر یا بیشتر)

و به این ترتیب تهدید به نظر می‌آمدند و بعضی از بزرگسالان را از رفتن به منطقه خرید منصرف می‌کردند. در والتون کورت، جوانان عمدتاً ساکنان همان محله بودند و در فضای باز، که مالکیت عمومی داشت، با یکدیگر ملاقات می‌کردند. در میدان فرایرز، جوانان از نقاط مختلف شهر و در یک مکان سرپوشیده تحت مالکیت خصوصی و تحت نظارت گرد هم می‌آمدند. هیچ‌یک از این فضاها برای این نوع استفاده طراحی نشده‌اند، اگرچه وجود مغازه‌ها و سایر امکانات رفاهی ممکن است، به اندازه بزرگسالان، جوانان را نیز جذب کند. این گروه‌های آمدن‌ها و تعاملات اجتماعی جوانان در این مکان‌ها را می‌توان بخشی از فرآیند شکل‌گیری هویت جوانان دانست. این‌طور به نظر می‌رسید که تمرین جامعه‌پذیری، مانند گپ‌زدن، گیردادن به بعضی اعضای یک گروه هم‌سالان، تحت تاثیر قراردادن دیگران، مثلاً با مهارت‌های اسکیت‌بازی یا شاید سیگار کشیدن و می‌گساری، در مکان‌ها و زمان‌هایی خاص انجام می‌شد. از این نظر، **تصاحب فضاها و زمان‌های خاصی از شبانه‌روز بخشی از فرآیندی است که طی آن جوانان «مکان» خود را در جهان پیدا می‌کنند. بسیاری از جوانان به فضاهایی نیاز دارند تا بتوانند دور هم جمع شوند و مهارت‌های اجتماعی خود را در گروه هم‌سالان خود در زمینی بی‌طرف تمرین کنند.** برای این افراد جوان، پناهگاهی در فضاهای عمومی فراهم شده‌است؛ جایی مثل اطراف مراکز محله، که در دسترس هستند، در باران خشک می‌مانند و سرپناه‌اند و شاید از همه مهم‌تر به خوبی روشن هستند و در شب نسبتاً ایمن‌اند، یا جایی مثل پارک‌ها که در آن ممکن است به ندرت ساکنان تحت نگاه نظارتی بزرگسالان یا پرسنل امنیتی قرار بگیرند. کسانی که به این مناطق رفت‌وآمد می‌کردند، در این مورد گفتند که چگونه عنصر انزوا یا جدایی را برای خود حفظ می‌کردند؛ درحالی‌که هم‌زمان درجه بالایی از امنیت را، در برابر تهدید دیگری که خطرناک به نظر می‌رسیدند، نیز فراهم می‌آوردند، به‌ویژه به این علت که جوانان در گروه احساس امنیت بیشتری دارند؛ درحالی‌که این جوانان را اغلب بزرگسالان مزاحم در نظر می‌گرفتند، مشاهدات نشان می‌دهد که بیشتر اوقات این گروه‌ها خودگردان و عموماً ملایم و بی‌خطر بودند.



والتون کورت: کنار مغازه‌ها

## پارک

[...] در پارک، درحالی که اکثر افراد سفیدپوست بودند، اقلیت قابل توجهی از جوانان و مردان جوان آسیایی درمیان افراد عادی وجود داشت. سابقه تنش بین گروه‌های سفیدپوست و رنگین پوست و جوانان آسیایی در این منطقه بوده است، اما، در طول دوره‌های مشاهده، آن‌ها بیشتر اوقات از یکدیگر دوری می‌کردند و ظاهراً غرق در بازی‌ها یا گفت‌وگوهای خود بودند. [...] گاهی گروه‌هایی متشکل از ۱۰ مرد جوان آسیایی در پارک جمع می‌شدند. یکی از این گروه‌ها شامل افرادی از خارج از شهر بود که، دور از چشم خانواده‌های خود و برای ملاقات با دختران، آمده بودند. افسری از مقامات محلی جوانان آسیایی را، که به همین دلایل از شهر دور می‌شوند، این‌طور توصیف می‌کند:

- «ببینید ویل یک پارک محلی است؛ بنابراین این افراد را احتمالاً گروه هم‌سالانشان یا والدین یا عموها، خاله‌ها، پدربزرگ و مادربزرگ و یا... می‌بینند و آن‌ها نمی‌خواهند بد به نظر برسند».

مصاحبه‌کننده: «پس آن‌ها از مرکز شهر خارج می‌شوند؟»

- «از شهر خارج می‌شوند. کاملاً از شهر خارج می‌شوند.»

**به جای ممنوعیت تجمع جوانان در اماکن عمومی، تأکید ما باید بر آگاه‌سازی مردم در مورد تعاملات اجتماعی در فضای عمومی باشد؛ برای مثال، به افراد مسن و سایر بزرگسالان می‌توان در مورد جنبه‌های مربوط به فرهنگ جوانان تصویری ارائه داد تا ترس بی‌مورد آنان را از بین ببرد و شاید کمک کند تا علل واقعی نگرانی خود را دریابند. درحالی که جوانان می‌توانند بیاموزند که چرا حضور آن‌ها می‌تواند افراد مسن را ناراحت و نگران کند و به این فکر کنند که چگونه به شیوه‌ای غیر تهدیدآمیز با دیگران تعامل داشته باشند؛ مثلاً از طریق وضعیتشان و استفاده از زبان بدن.**

## افراد مسن

یک یافته قابل توجه این بود که تا چه حد افراد مسن در این مطالعه، خود را طردشده می‌دانستند یا به نظر می‌رسید که با جدیت خود را برای مدتی طولانی از فضاهای عمومی جدا می‌کنند. این به آن معنا نیست که همه افراد مسن تا این حد طرد شده بودند، اما یافته‌ها به وضوح نشان می‌دهد که بسیاری از افراد با سن بالا تمایلی به استفاده کامل از فضاهای عمومی ندارند یا قادر به استفاده از این فضاها نیستند. [...] آن‌ها تقریباً همیشه به تنهایی یا دوتایی در مرکز شهر حرکت می‌کردند و گاهی اوقات نیز برای صحبت با دیگران توقف می‌کردند، اما به ندرت در گروه‌های بزرگ‌تر جمع می‌شدند؛ [...] پس از بسته شدن مغازه‌ها آن‌ها به ندرت در مرکز شهر دیده می‌شدند. افراد مسن، به ویژه زنان مسن، بیشتر آخر هفته‌ها در گروه‌های چند نسلی، زمانی که خانواده‌ها برای خرید بیرون می‌آمدند، دیده می‌شدند. زمانی که آن‌ها در مرکز شهر بودند و افراد جوان کمتری حضور داشتند، افراد مسن به بسیاری از کافه‌ها رفت‌وآمد می‌کردند. میدان فرایرز مکان‌هایی نیز دارد که افراد مسن می‌توانند در فضای داخلی، که در مقابل عوامل محیطی محافظت شده است، با نور خوب و احساس امنیت در حضور پرسنل و مأموران حراست حضور داشته باشند. هنگامی

هنگامی که هوا خوب و مساعد بود، از نیمکت‌های بیرون در میدان شهر و خیابان بالا نیز افراد مسن زیاد استفاده می‌کردند که اغلب با کیسه‌های خرید می‌نشستند و در مسیر ایستگاه اتوبوس یا پارکینگ، استراحت می‌کردند.



میدان شهر: نیمکت‌های اطراف مجسمه‌ها

[...] افراد مسن به حضور دیگران در مکان‌های عمومی بسیار حساس هستند. آن‌ها مایل‌اند در مناطقی که نوجوانان و جوانان از آن‌ها زیاد استفاده می‌کنند، حضور نداشته باشند. آن‌ها از مکان‌هایی که تاریک یا متروک بودند دوری می‌کردند. افراد مسن فقط با حضور پلیس یا دیدن پرسنل امنیتی از حضور در مکان‌های عمومی اطمینان می‌یافتند و از حضور در مکان‌های عمومی‌ای که در آن جرایم کوچک و بی‌نظمی‌هایی رخ می‌داد و یا صندلی کافی، روشنایی و امکاناتی چون توالت و سرپناه نداشت اجتناب می‌کردند. علاوه بر این آن‌ها گفتند که از ماجراجویی شبانه در ایلزبری اجتناب می‌کنند و قطعاً به مرکز شهر نمی‌روند.

**افراد مسن در عمل از استفاده تمام‌عیار از مکان‌های عمومی، به‌ویژه پس از تاریکی هوا، به علت امکانات و وسایل نقلیه ناکافی، نگرانی‌های امنیتی و به‌طور کلی فقدان فعالیت‌ها یا مکان‌هایی جالب در فضای عمومی، که براساس ترجیحات آن‌ها تنظیم شده باشد، مأیوس می‌شوند. حضور آن‌ها در یک اقتصاد بسط‌یافته یا «۲۴ساعته» به ابتکارات مثبت، هم از سوی مقامات محلی و هم از سوی مشاغل محلی، نیاز دارد.**

## تعامل

### منزلت اجتماعی و حاشیه‌نشینی

درحالی‌که جوانان و بزرگ‌سالان در بسیاری از گروه‌های اجتماعی مختلف به‌طور منظم از مناطق مرکز شهر استفاده می‌کردند، در نحوه استفاده افراد متعلق به طبقات اجتماعی مختلف از فضاها تفاوت‌هایی دیده می‌شد. مثلاً، افراد



مسن تری که مشاهده‌کنندگان افرادی «خوش‌پوش‌تر» توصیفشان می‌کردند، بیشتر از کافه‌های مراکز خرید استفاده می‌کردند و کمتر روی نیمکت‌های میدان شهر می‌نشستند. افراد جوان‌تر تا حدودی در گروه‌هایی گرد هم می‌آمدند که دارای یک عنصر مشترک مثل طبقه یا هویت فرهنگی خاصی بود. [...]

یک گروه دیگر، شامل ده‌ها نفر در اطراف شهر بود که مشاهده‌کنندگان آن‌ها را به‌عنوان بی‌خانمان، بیکار و یا می‌گسار خیابانی شناسایی می‌کردند و یا آن‌ها خودشان را این‌طور هویت‌یابی می‌کردند. اعضای این گروه، پس از اینکه از کینگزبری با شغل بازسازی به آنجا نقل مکان کردند، در کنار کانال و روی نیمکت‌های منطقه رسمی باغ پارک ویل جمع شدند. نگهبان پارک این گروه را زیرنظر داشت و آن‌ها، وقتی او را در اطراف می‌دیدند، زباله‌های منطقه «خود» را مرتب می‌کردند.

نکته طنزآمیز درباره این گروه این است: درحالی که منطقه مرکز شهر کینگزبری با حذف مشروبات الکلی در طول روز «پاکسازی» شده بود، شب‌هنگام تحت سلطه می‌گساری عمومی‌ای بود که با میخانه‌ها و کلوپ‌ها و ترافیک میان آن‌ها در ارتباط بود. هنگام مصاحبه، گروه می‌گساران خود را «محافظان پارک» توصیف کردند و استدلال کردند که آن‌ها باید برای اطمینان دادن به دیگران حضور داشته باشند، چون حضورشان به این معنی است که پارک متروک نیست و آن‌ها می‌توانند به نگهبان پارک کمک کنند تا حواسش به دردها باشد؛ دردهایی که شامل دامنه‌ای از فعالیت‌های وحشت‌آفرین می‌شد از جمله کارهای جوانان بدرفتار و فروشندگان مواد مخدر و کودک‌آزارانی که از توالی‌ها استفاده می‌کردند. [...]

**راندن و پراکنده کردن افراد به حاشیه‌رانده شده، به جای حل مشکل، آن‌ها را آواره می‌کند. با حمایت دولت مرکزی، سیاست محلی نیاز به خلاقیت و هم‌راهی در مدیریت دارد، به جای اینکه مردم را بدون دلیل خاصی از استفاده از یک منطقه منع کند.**

### اختلاط اجتماعی

هم افراد مسن هم جوانان اغلب با افراد هم‌سن و سال خود تعامل داشتند، مثلاً برای ملاقات و احوال‌پرسی، اما به غیر از گروه‌های خانوادگی [...] عموماً، در مواردی که افراد مسن و جوانان هم‌زمان در یک مکان بودند، ترجیح می‌دادند یکدیگر را نادیده بگیرند یا از یکدیگر دوری کنند. معمولاً، اگر صندلی دیگری در دسترس بود، آن‌ها در کنار یکدیگر نمی‌نشستند.



میدان فیریس: نشستن بداهه درعین رعایت فاصله

[...] درحالی که افراد جوان مرتباً در گروه‌های بزرگ و متفاوت با هم ملاقات می‌کردند، تعجب برانگیز نبود که معاشرت افراد مسن‌تر عمدتاً با یک فرد یا یک زوج باشد؛ آن‌ها شاید با فرد یا زوج مسن‌تر دیگری ملاقات می‌کردند. افراد مسن، حتی بیشتر از سایر بزرگ‌سالان، طوری رفتار می‌کردند که انگار گروه‌های بزرگی از جوانان مانعشان شده‌اند؛ اگرچه، در حضور پرسنل امنیتی یا پلیس و در نور روز، آن‌ها عموماً می‌توانستند هم‌زیستی با دیگران را مدیریت کنند. [...]

**سیاستی که شمول عام را در مکان‌های عمومی دنبال می‌کند باید به این نکته توجه کند که چگونه الگوهای معاشرت ممکن است بین گروه‌های سنی مختلف متفاوت باشد.**

### مقررات و خودتنظیمی

مراکز خرید کنترل شده‌ترین، برنامه‌ریزی شده‌ترین و قاعده‌مندترین فضاهای «عمومی» در مرکز شهر هستند. در این مراکز، قوانین و مقررات، موارد امنیتی و دوربین مداربسته برای اطمینان از اینکه همه رفتار مناسبی داشته باشند وجود دارد. [...] برای پرسنل امنیتی، «بچه‌ها» مشکل اصلی بودند، به‌ویژه در طول تعطیلات طولانی مدرسه در تابستان. آن‌ها [پرسنل امنیتی] احساس می‌کردند که جوانان در مرکز خرید به‌مثابه جایی رفتار می‌کنند که صرفاً برای دورزدن و آزار و اذیت است. بسیاری از جوانان ادعا کردند که پرسنل امنیتی آن‌ها را، به‌علت سنشان از مرکز خرید،

بیرون کردند، حتی زمانی که هیچ آسیبی نمی‌رسانند؛ در نتیجه، بسیاری از جوان‌ترها مکان‌های جایگزینی را در سراسر شهر برای پاتوق کردن پیدا کرده بودند، به‌ویژه پارک‌ها، اما تجمع جوانان و دیگر گروه‌های حاشیه‌نشین در دیگر فضاهای عمومی تنها به علت رانده‌شدن اجباری آن‌ها نیست. بعضی مناطق نیز جاذبه‌های خاصی را در ملاقات با دوستان به گروه‌های مختلف ارائه می‌کردند، مثلاً احساس امنیت یا مزاحم‌نشدن نیروهای امنیتی یا پلیس. [...]

به شکل‌های مختلفی، مقررات فاصله‌گذاری اجتماعی در سراسر شهر مشاهده شد، از خودتنظیمی، که در آن افراد از تماس چشمی با غریبه‌ها در میدان بازار اجتناب می‌کردند، یا جایی که افراد و گروه‌های کوچک روی نیمکت‌های خاصی در مرکز شهر می‌نشستند تا مقررات تحمیلی که در آن گروه‌ها از یک مکان به جای دیگری رانده می‌شدند.

### مقررات در پارک ویل

[...] آدم‌ها به یک مکان خاص در پارک جذب می‌شوند، اگرچه هر بار این مکان یکسان نیست. برخلاف مشترک شدن زمین اسکیت و محل بازی کودکان با دیگران، در بقیه پارک‌ها گروه‌ها از سهیم کردن دیگران در فضای مشابه اجتناب می‌کنند. اگر برای یک نقطه از پارک به نظر می‌رسید که ممکن است رقابت وجود داشته باشد، معمولاً یک گروه جای خود را به گروه دیگر می‌داد و به قسمت دیگری از پارک می‌رفت. [...]

به‌طور کلی، پارک یک فضای مجزای اجتماعی است که در آن گروه‌های مختلف به ندرت با هم ترکیب می‌شوند. [...] بسیاری از این تفکیک‌ها را می‌توان براساس فعالیت‌ها تعریف کرد، مانند اسکیت بازی، یا بازی کودکان. فضاهای دیگر پارک برای گروه‌های مختلف فرصتی را فراهم می‌کند تا با هم ملاقات کنند و به نوعی هویت خود را بسازند. **در مجموع، به نظر می‌رسد که جوانان پارک، به‌جز «دورزدن» یا اسکیت بازی، کار خاص دیگری انجام نمی‌دهند. اینکه فعالیت معمولشان همین بود نشان می‌دهد که این یک جنبه حیاتی از فعالیت و رفتار اجتماعی جوانان در شهر است.**

این تفکیک و فضاهای مجزا ممکن است در حکم تلاشی برای جلوگیری از تنش‌های مستقیم بین گروهی تفسیر شود، به‌ویژه با تجربه برخوردهای شناخته‌شده قبلی. به نظر می‌رسد که گروه‌های سنی/قومی مختلف، بی‌هیچ نشانه‌ای از تعامل با یکدیگر، بیشتر اوقات همدیگر را نادیده می‌گیرند. گویا آن‌ها از حضور یکدیگر کاملاً آگاه بودند و با علم به عادات یکدیگر خود را با شرایط تطبیق می‌دادند.

تصادفی نیست که دو گروهی که بیشتر از این پارک استفاده می‌کردند (جوانان و می‌گساران/بی‌خانمان‌ها/بیکارها) شامل افرادی بودند که از تعدادی از مکان‌های گردهمایی مرکز شهر یا دل‌سرد بودند یا ورودشان به آن‌ها ممنوع بود، مکان‌هایی مانند مراکز خرید و کافی‌شاپ‌ها بابت قیمت‌هایشان یا به علت زیر سن قانونی بودن. [آن‌ها] معتقد بودند اگر در آن مکان‌ها به صورت گروهی جمع شوند، احتمالاً به جای دیگری رانده خواهند شد. همان‌طور که، در والتون کورت، جوانان می‌توانستند از پارک برای «پاتوق کردن» استفاده کنند، به معاشرتشان برسند و گاهی نیز جایی دور از نگاه‌های خیره‌اولیا داشته باشند.

## نیمکت‌ها و مقررات

[...] برای استفاده از نیمکت‌های تعبیه شده در امتداد خیابان‌های بالا و در میادین، درمیان مردم مقدار مشخصی از خودگزینی وجود داشت. صندلی‌های اطراف درختان و زیر سایه بان‌ها به مردم این امکان را می‌داد که از نشستن در کنار هم خودداری کنند. [...]

آب‌نما، به عنوان محلی برای انتظارکشیدن، فضایی است که افراد زیادی روی لبه آن نشسته‌اند، اما فاصله خود را از یکدیگر حفظ می‌کنند، به طور متوسط، حدود دو متر بین هر نفر. آیا این فاصله عمدی است؟ [...] همه نیمکت‌ها اشغال شده‌اند - اکثراً فقط دو نفر روی آن‌ها نشسته‌اند - و چقدر جالب که هیچ‌کس در فضای خالی نیمکت‌ها نمی‌نشیند! (از دفترچه مشاهده‌گر)

**جدا کردن خود از دیگران یکی از ابزارهایی است که افراد از طریق آن روابط اجتماعی را در مکان‌های عمومی مدیریت می‌کنند تا در تعامل با دیگران و نیاز به فضای شخصی ترجیحات خود را منعکس کنند. اگر فضاهای عمومی تا حد ممکن همه را در بر بگیرند و به افراد اجازه دهند در کنار دیگرانی باشند که شبیه به خودشان یا متفاوت با آن‌ها هستند، تفکیک خود از دیگران ممکن است بیش از آنکه به عنوان چالشی برای توسعه جامعه دیده شود، به منزله فرآیند هویت‌آفرینی و نوعی رفتار ذاتی انسانی تلقی گردد.**

## نتیجه‌گیری

[...] **یک مکان هرچقدر هم که «عمومی» باشد، دسترسی به آن برای شما تا حد زیادی بستگی به این دارد که، به لحاظ سن، موقعیت و گاهی اوقات جنسیتان، چه کسی هستید؛ همچنین اینکه چه زمانی از روز است.** به این علت که در آن زمان چه کسی ممکن است در اطراف باشد یا نباشد و چه خدماتی در دسترس شما خواهد بود؛ آیا می‌توانید با اتوبوس به خانه برگردید؟ به همین علل، افراد مسن و کودکان، به خصوص در ساعات خاصی از روز، احساس درحاشیه بودن یا طرد شدن می‌کنند.

برخی از افراد، به علت انتظارات عمومی دیگران یا مدیریت رسمی یا غیررسمی این فضاها، ممکن است احساس کنند به بعضی از فضاهای عمومی خاص تعلق ندارند و این فضاها جای آن‌ها نیست. [...]

«فضاهای عمومی مانند «چسبی» هستند که جامعه را به هم متصل نگه می‌دارند؛ مکان‌هایی که در آن با افراد مختلف ملاقات می‌کنیم، تجربیاتمان را درمیان می‌گذاریم و یاد می‌گیریم که به یکدیگر اعتماد کنیم.» (سی‌ای‌بی‌ای، ۲۰۰۴، ص ۵) مردم، علاوه بر استفاده هدفمند از اماکن عمومی - برای خرید، اوقات فراغت و... - همچنین استفاده از آن‌ها به عنوان مکانی برای مواجهه با افراد و رویدادهای دیگر (آشنا و ناآشنا)، از فضاهای عمومی برای حفظ حضور خود نیز به منزله بخشی از موجودیت اجتماعی شهر یا محله استفاده می‌کنند؛ با این حال، جامعه‌ای که اعضای آن در کنار هم نگره داشته می‌شوند جامعه‌ای طبقه‌بندی شده است که در آن بعضی از گروه‌ها معمولاً بر گروه‌های دیگر برتری دارند؛ درحالی‌که گروه‌های دیگر سعی می‌کنند در عرصه عمومی خودی نشان بدهند.

تجمع جوانان در مرکز خرید، علی‌رغم ممنوعیت، نمونه‌ای از این موارد بود؛ به هر صورت، تشویق یا ممانعت از حضور عمومی افراد مختلف به شدت تحت تأثیر نحوه مدیریت و طراحی فضاهای عمومی است.

**درمورد استفاده از فضای عمومی، شمول عام در مکان‌های عمومی مستلزم توجه سیاست‌گذاران به روابط قدرت در تدوین سیاست است. از نظر انسجام و شمول عام اجتماعی، بهتر است گاهی اوقات همه مردم و همه گروه‌های سنی را خشنود کنیم، به جای اینکه همیشه به عده‌ای در مقابل عده‌ای دیگر امتیاز بدهیم.**

اگر به مطالعه متن کامل این مقاله علاقه دارید، به پیوند زیر بروید:

<https://rahman.org.ir/2023/07/12/social-interactions-in-public-spaces/>

## چرا کنترل فضا مهمتر از کنترل مطبوعات شد؟

گفت‌وگوی هیا با اعظم خاتم (جامعه‌شناس توسعه و پژوهشگر حوزه شهر)

نقش فضا، در جنبش‌های سیاسی، اجتماعی، چیست؟ آیا این جنبش‌ها الزاماً با حضور خیابانی گره خورده‌اند؟ به این معنا که به تسخیر فضاهای عمومی نیاز دارند؟

جنبش‌ها و ناجنبش‌ها همگی فضا را می‌سازند، زیرا تحقق «امر عمومی» تا حدود زیادی مستلزم تعامل بدن‌ها و اذهان در خیابان و فضای عمومی است، اما این وابستگی در دو مکتب اصلی علوم سیاسی، که در پی معنا کردن فضا و رابطه آن با قلمرو عمومی بوده‌اند، به شکل متفاوتی درک شده است. در نگاه هانا آرنت، «یک درک آرمانی از فضا و قلمرو عمومی» وجود دارد که سراسر رهایی بخش است. او رؤیت‌پذیری جمع در فضای عمومی را برای ساخته شدن «مردم» مهم می‌داند و باور دارد تقویت زندگی عمومی شهرها و اختلاط افراد گمنام در مرکز شهر، جایی که مرزهای محلی و هویتی ناپدید می‌شود، یک بدنه واحد با منافع مشترک شکل می‌دهد که سیاست دموکراتیک را ممکن می‌کند؛ برای هابرماس، ساخته شدن «امر عمومی» بیشتر شبیه برآمدن یک گفتمان است که متکی بر اطلاع‌غریبه‌ها از علایق و منافع و نیازهای یکدیگر است، اما می‌تواند به اشکال مختلف از جمله گپ زدن در فضای عمومی یا از طریق مطبوعات و عضویت در شبکه‌ها در فضای مجازی رخ دهد و فضای فیزیکی اهمیت کلیدی ندارد. بعدها در مطالعات فرهنگی کسانی مثل ریچارد سینت، که سیاست را در مقیاس روزمره بررسی می‌کردند، دوباره بر زندگی عمومی شهرها و مقاومت در آن تأکید کردند؛ آنچه نوعی بازگشت به کالبد شهر هم بود و رابطه بدن‌ها با این کالبد مهم شد. کتاب گزیده مطالعات شهری، که اخیراً نشر نی آن را منتشر کرده است، طی فصلی این دیدگاه‌های متفاوت در خصوص رابطه شهر و فرهنگ را می‌کاود که می‌توان به آن مراجعه کرد.

به نظرم، در نظام‌های اقتدارگرا و جوامع نامتشکل، باید بحث آرنت و ریچارد سینت را درباره رؤیت‌پذیری مردم و مقاومت‌های روزمره جدی بگیریم، چون بخش کوچکی از امر عمومی در مجاری تعبیه‌شده سیاست رسمی جاری است و تخیل سیاست‌آلترناتیو نیازمند بازیابی جمع در فضاهای واقعی خواهد بود؛ البته امر عمومی و مردم هم پدیده ثابتی نیستند و در هر دوره بازتعریف می‌شوند، اما اینکه باید به طور مستمر وجود و حضور خود را به قدرت یادآوری کنند، پدیده‌ای نسبتاً دائمی است.

اعتراضات جمعی طی دوره معاصر ایران چگونه از شهر برای بیان مطالبات و ناراضی‌ها بهره‌گرفته‌اند؟ خود شهر در این میان چه نقشی ایفا کرده؟ مثلاً از نظر کالبدی، در کنترل اعتراضات و انضباط‌بخشی به آن‌ها یا تحریک و شکل‌دادن به تجمعات، نقش شهر چه بوده است؟

فضامندی و درآمیختگی جنبش‌ها با فضا و جغرافیای شهر، بسته به اینکه محتوای آن‌ها چیست، تغییر می‌کند. در ایران، محتوای جنبش‌ها در دهه اخیر تغییر کرده است. تا قبل از تشدید بحران‌های اقتصادی در نیمه دهه

نود، جنبش‌ها بیشتر در درون و حاشیه سیاست رسمی رخ می‌دادند و مطالبه‌محور بودند. خیابان هم محل بیان این مطالبات بود، اعم از بحث دستمزد و مال‌باختگی در تهران تا اعتراض به استخدام نکردن نیروهای محلی در عسلویه یا اعتراض به اسیدپاشی در اصفهان. ناجنبش‌ها هم مثل شل‌حجایی در زندگی روزمره جاری بودند و به مدد خیابان رؤیت‌پذیر می‌شدند، اما تشدید بحران اقتصادی در نتیجه تحریم‌ها و سیاست یک‌دست‌سازی تغییرات مهمی در کم و کیف اعتراضات داد؛ مثل اینکه امید به تغییر تدریجی از میان رفت؛ در یک کلام، مقاومت فردی و اعتراضات رسمی به اعتراضات جمعی خودجوش و ساختارشکن بدل شد. فکر می‌کنم علل این تغییرات روشن است و به سبب همین تغییرات، کنترل فضا مهم‌تر از کنترل مطبوعات شد.

**. به طور خاص جنبش زنان در ایران از چه سازوکارهایی از شهر برای رساندن صدای خودش به حاکمیت و عامه مردم استفاده کرده است؟ آیا می‌شود نوعی تقسیم‌بندی تاریخی از نوع دادوستد سیاسی-اجتماعی میان زنان و شهر ارائه داد یا خیر؟**

چند دهه است که در ایران کشمکشی بی‌امان بر سر تعریف فضای عمومی و خصوصی و کنترل آن‌ها برقرار شده، و بسیاری از منازعات سیاسی بالاخره به شکلی به موضوع سیاست فرهنگی درباره فضای عمومی تبدیل شده. زنان هم همیشه یک پای این منازعات بوده‌اند. اگر از چند سال اول انقلاب بگذریم، نحوه تعامل دولت و زنان در عرصه سیاست فرهنگی فضاهای عمومی از سه مرحله عبور کرده است: در دهه اول، گفتمان دولت درباره قواعد فرهنگی فضای عمومی، به مدد انقلاب و جنگ، هژمونیک شد و ناراضیان، که در اکثریت نبودند، زیست دوگانه فرهنگی را - در خانه و بیرون از آن - را پذیرفتند، اما، با پایان جنگ و تغییر ائتلاف‌های سیاسی و فرهنگی و بلوغ کودکان انقلاب، دوره خودمختاری فرهنگی بخش‌های وسیع‌تری از جامعه فرارسید. دهه هفتاد و هشتاد، شاهد حضور زنان در عرصه‌های مختلف بود. گروه‌های وسیعی از زنان به عرصه‌هایی که مردانه تلقی می‌شد وارد شدند، از فعالیت‌های اقتصادی گرفته تا علوم و فنون و هنر و ورزش؛ این زنان باورهای رایج درباره فرودستی زنان را به چالش کشیدند. فعالان زنان هم جنبشی مطالبه‌محور، در زمینه اصلاح قوانین و سیاست‌ها، به راه انداختند که تناقضات زندگی زنان و دستاوردهای آن‌ها را در برابر تبعیضات قانونی و محرومیت‌های دولتی قرار می‌داد. در دولت دوم احمدی‌نژاد، امید به تغییر و اصلاح قوانین به تدریج رنگ باخت و دوران تازه‌ای در رابطه زنان و دولت به وجود آمد. شاید جامعه چندسالی در تغییر مسیر مردود بود، اما بالاخره تصمیمش را گرفت و رویه‌های تازه‌ای را نسبت به دولت درپیش گرفت که آغاز جداسری بود. حرکت ویدا موحد را می‌توان نشانه آغاز این دوران دانست. او به زبان سکوت گفت اگر دولت توسعه و دولت رفاه، که دستمان را بگیرد نداریم، دولت مداخله‌گر و تنبیه‌گر هم نمی‌خواهیم.

درباره نسبت جنسیت و فضاهای شهری از دهه ۱۹۷۰ به بعد، ادبیات نسبتاً زیادی در غرب تولید شده، که طی سال‌های اخیر کم‌وبیش وارد ادبیات فارسی‌زبان هم شده‌است، اما اگر بخواهیم عنصر اسلام‌گرایی را به این معادله بیفزاییم و از شهرهایی صحبت کنیم که در جغرافیای اسلامی قرار دارند، چه مقتضیات و ملاحظاتی را باید در نظر بگیریم؟ به این معنا که شهرهای اسلامی نوع خاصی از انضباط و کنترل اجتماعی را بر بدن زنانه هموار می‌کنند؟

همانطور که گفتید نویسندگان فمینیست از دهه هفتاد توجه ما را به ماهیت جنسیتی شهرهای معاصر جلب کرده‌اند و ریشه‌های تاریخی دیرپا و پیچیده آن را نشان داده‌اند. اینکه چطور فیگور مردانه می‌تواند آزادانه در شهر حرکت کند و زنان با چه محدودیت‌ها و خشونت‌هایی در فضای عمومی مواجه‌اند. آن‌ها تأثیرات حومه‌نشینی بعد از جنگ دوم را بر زندگی زنان - که مترادف با برآمدن دولت رفاه، خانه‌سازی انبوه و سیاست فرزندآوری دولت بود - نشان داده‌اند؛ در واقع این سیاست‌ها تاریخ زنان، خانواده، شهر و فضاهای عمومی را دگرگون کرده‌اند.

درباره جوامع مسلمان، مقاله درخشان لیلیا ابولقد درباره شهر اسلامی، که در اواخر دهه هفتاد میلادی نوشته، و به فارسی هم ترجمه شده، یکی از منابع ما برای مطالعه است. ابولقد در این مقاله، در نقد شرق‌شناسی که تاریخ شهر اسلامی را به کلی از تاریخ شهر اروپایی جدا می‌کنند، می‌گوید نه بازار و مسجد و کوچه‌های مارپیچ در قلب شهر ویژه شهرهای خاورمیانه و شمال آفریقا است نه آن‌طور که گفته می‌شود این شهرها از وجود اصناف و تشکل‌های صنعتگران اولیه تهی بودند، اما به نظر او وجود قلمروهای مردانه و زنانه ویژگی مهمی در ساختار شهرهای قدیمی در جوامع مسلمان است. او، با مقایسه محلات هندونشین و مسلمان‌نشین هندوستان، نشان می‌دهد که حریم خصوصی زنان تا چه حد بر الگوی شکل‌گیری فضای عمومی مؤثر بوده‌است. ابولقد می‌نویسد حجاب زنان هندو در مقابل بستگان نزدیک به ویژه پدر رعایت می‌شود و حجاب زنان مسلمان در برابر مردان غریبه؛ بنابراین پوشش زنان مسلمان در فضای بیرون کاملاً متفاوت با خانه است؛ در حالی که در میان زنان هندو چنین نیست. زمانی قواعد تفکیک اندرونی و بیرونی در خانه‌ها و فرم مارپیچ کوچه‌ها برای حفظ این حریم مفید بود، اما حتی در گذشته هم این تفکیک عمدتاً برای طبقات مرفه عملی بود و در محلات دیگر، که خانه‌ها کوچک و پرازدحام بود، زنان برخی از کارهای خانه را در کوچه انجام می‌دادند و معاشر مردان همسایه بودند؛ مردانی که حکم خویشاوند را داشتند. تاریخ شهری ایران هم این ویژگی‌ها را تأیید می‌کند، اما، با رشد شهرنشینی و تحصیل و اشتغال زنان، این تفکیک‌ها کمرنگ شد و رو به زوال رفت؛ هرچند هنوز آثار فرهنگی آن باقی است.



آیا این شهرها امکاناتی هم در اختیار زنان قرار داده‌اند یا کارشان فقط کنترل و نظارت بوده است؟ نوع و شکل

مقاومت زنان در چنین بسترهایی تفاوتی با سایر فضاهای شهری در دیگر کشورها دارد؟

واحد همسایگی شهر قدیمی کارکرد مهمی در حمایت از ساکنان خود داشت، اما در طول زمان اهمیت خود را ازدست داد و دولت‌ها کوشیدند خدمات حداقلی را به کل شهر ارائه کنند و آن را تحت انضباط درآورند. در ایران قبل از انقلاب، بسیاری از زنان برای فرار از تقسیمات جنسیتی و محدودیت‌های محلات قدیم آن‌ها را ترک می‌کردند. این استراتژی، که به زنان آزادی عمل بیشتری در محلات تازه تأسیس شهر می‌داد، محلات قدیمی را بیشتر در خود فرو برد و به تضاد بین خرده‌فرهنگ‌ها دامن زد. مطالعه‌ی جامعی درباره‌ی ویژگی‌های فرهنگی محلات شهری نداریم، اما شواهدی در دست است که این تضاد فرهنگی در شهرها طی دو دهه‌ی اخیر کمتر از گذشته شده، و نزاع بر سر سیاست فرهنگی شهر به نزاع بین دولت و جامعه بدل گشته است.

به نظر شما، سیاستگذاری شهری در ایران چه شکلی از زنانگی را تولید کرده است؟ چه سوژه‌ی زنی را ساخته،

و آیا قوانین و سیاست‌ها در این رابطه تغییر و تحولی هم داشته‌اند؟

ببینید؛ در این چند دهه، نسبت زنانی که علاوه بر خانه‌داری ناگزیرند روزانه در شهرها حرکت کنند، بیشتر شده است. این منطق ناگزیر زندگی در نظم اقتصادی‌ای است که خانواده‌ها به حقوق و دستمزد متکی‌اند و بحران‌های اقتصادی تقلا می‌کند؛ این امر تقسیم کار بین زن و مرد را، به‌ویژه برای اداره‌ی خانواده، عوض کرده. زنان به اصطلاح خانه‌دار ده‌ها مسئولیت در خانواده دارند، از رسیدگی به آموزش و درمان و خرید و تعمیر گرفته تا مراقبت از والدین و تأمین وسایل مصرفی که آن‌ها را به شهر می‌کشاند. دختران چشم‌انداز آینده‌ی خود را، بر مبنای تجارب شخصی و اجتماعی مشابه با پسران، پی می‌ریزند و مخالفت دولت یا ترس از ناامنی در فضای عمومی موجب عقب‌گرد آن‌ها نمی‌شود، اما سیاستگذاری فرهنگی فضای عمومی و طرح‌های مختلف عفاف و حجاب و گشت ارشاد مسیری خلاف این تحولات رفته‌اند که نتیجه‌ی آن‌ها فاجعه‌بار بوده است و من در مقالات دیگر مفصلاً درباره‌ی آن‌ها نوشته‌ام. تخیل آن‌ها از شهر اسلامی و سوژه‌ی زنانه‌ی آن متعلق به عصر دیگری است. به‌طور کلی رابطه‌ی شهر و تخیل رابطه‌ای توأم با تنش دائمی است و ما شاهد برآمدن شهر دیگری هستیم که، براساس تخیل نوینی از فرهنگ و زندگی عمومی در ایران و نقش زنان در آن، شکل گرفته است.

## در جست‌وجوی فضاهای بدیل<sup>۵۶</sup> نویسندگان: انوپ کمار و مامتا منتری مترجم: مائده سبط نبی

در حدود ۳۰ سال گذشته در هند، همراه با رشد ایده‌های «نئولیبرال» توسعه، اعتراضات مانعی برای «توسعه» کشور و مزاحم و «بازدارنده» تلقی شده‌اند. به همین علت، بازوی اجرایی دولت تا توانسته‌است اعتراضات را از «فضاهای» عادی و معمول زندگی دور کرده‌است و همراهی گسترده‌ی قوه قضاییه را هم در اجرایی‌کردن این ممنوعیت‌ها و تحریمات داشته‌است. [...] با این حال، **وقتی شهروندان عادی به نتیجه می‌رسند که باید در برابر حکومت استبدادی مقاومت کنند، به خیابان‌ها می‌آیند و نه تنها فضاهای فیزیکی و عینی، بلکه فضاهای ذهنی را هم اشغال، و از آن خود می‌کنند؛ این‌گونه است که تغییر مطالبه می‌شود.**

[...] در فضای شهری، مکان‌هایی مانند خیابان‌ها، پارک‌ها، سواحل و زمین‌های بازی همه برای عموم رایگان و در دسترس‌اند؛ مالکیت خصوصی ندارند و همه افراد، صرف نظر از مذهب، طبقه اجتماعی، عقیده و جنسیت می‌توانند از این فضاها استفاده کنند و به نوعی خود را در مالکیت آن شریک بدانند. زمانی که دولت آرمان‌های دموکراتیک را در اشغال<sup>۵۷</sup> این فضاها زیر پا می‌گذارد، پای الگوهای مالکیت<sup>۵۸</sup> و بازپس‌گیری<sup>۵۹</sup> این فضاها به میان کشیده می‌شود و معنا می‌یابد. شهر جایی است که گروه‌های مختلف مردم و کارهایشان با هم تعامل می‌کنند. در فرایند این تعاملات، امکان‌های بدیلی به وجود می‌آید که در فضاهای عمومی به اوج خود می‌رسند. فضاهای عمومی<sup>۶۰</sup>، مکان تعاملات و رویارویی‌های عمومی و فرهنگ مدنی هستند و به همین علت فضایی مهم برای مبارزه و گفت‌وگوی سیاسی‌اند. اعتراضات جزء جدایی‌ناپذیر جوامع عقلانی و دموکراتیک‌اند، اما بسیاری از مواقع این اصل آرمانی دموکراسی با آرمان‌های شخصی، که نخبگان حاکم برای تحقق منافع خود تعیین کرده‌اند، همسو نیست. دولت آزادی و حقوق مردم را به طرق مختلف سرکوب می‌کند، مثلاً با ایجاد و تعیین «فضا» و «مکان»<sup>۶۱</sup> اختصاصی برای اعتراضات، اما با این کار اعتراضات، که ابزار تحقق دموکراسی‌اند، و حقی اساسی، نه تنها کارایی‌شان را در تحقق دموکراسی از دست می‌دهند، بلکه مقام حقوقی‌شان نیز به خطر می‌افتد، زیرا حزب حاکم ممکن است مایل به حفظ این حقوق باشد یا نباشد؛ برای همین، خیلی از اوقات مردم، با پا نهادن در فضاهایی که ممکن است در اصل مختص اعتراض نباشد، صدای خود را به گوش می‌رسانند. علت دیگری که معترضان پا را فراتر از فضاهای معین می‌گذارند و قصد مالکیت و بازپس‌گیری فضاهای جدید را می‌کنند این است که فضاهای تعیین‌شده از سوی دولت، دور از مراکز قدرت و دید عموم قرار دارند. دولت حکم می‌کند که، صرف نظر از موضوع مطالبه، اعتراضات باید فقط در یک مکان انجام شوند.

۵۶. عکس‌ها در متن اصلی نبوده‌اند و هاید آن‌ها را قرار داده است.

57. Occupation

58. Claiming

59. Reclaiming

60. Public spaces

61. Site

با این کار، دولت اعتراضات و هدف آن‌ها را کنترل می‌کند. با کنترل اعتراضات، ناگزیر حقوق و آزادی مردم سلب می‌گردد و دموکراسی تهدید می‌شود. [...]

[...] جای تعجب نیست که بدیل‌هایی در قالب محله، خیابان، پارک کوچک یا هر مکان عمومی دیگری برای فضاهای معین در بافت‌های شهری اجتماعی فضایی<sup>۶۳</sup> در سراسر جهان پدیدار شده‌است. هند نیز از این امر مستثنی نبوده‌است. ایجاد فضای بدیل، در جریان اعتراضات «اصلاح قانون شهروندی»<sup>۶۴</sup>، بسیار پررنگ بود. تقریباً همه شهرها اعتراض کردند، اما در هیچ‌کدام از شهرها اعتراضات در فضاهای «معین» انجام نشد، بلکه مردم خودشان فضاهایی را برای اعتراض ایجاد کردند.

از نظر سیاسی، پایتخت‌ها اساساً دو کارکرد دارند: اول اینکه همه نهادهای حکومتی، ارگان‌ها و وزارتخانه‌ها در پایتخت قرار دارند و از آنجا بر ایالت‌ها و کل کشور حکومت می‌کنند. در پی آن، دومین کارکرد نمایان می‌شود: پایتخت نماینده واقعی اراده ایالت یا کشور و مردم آن است و البته که باید این‌طور باشد. مسئولیت اولین نقش را حکومت عهده‌دار است و دومین نقش را باید جامعه مدنی، یعنی دانشجویان، دانشگاهیان، سازمان‌های اجتماعی و فعالان سیاسی، ایفا کنند. این دو نقش با یکدیگر در تضادند، اما تنش بین این دو طرف مخالف برای رشد اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی جامعه در مسیر مطلوب ضروری است.

اعتراض مهم‌ترین سلاح برای تحقق دومین کارکرد و نقش [مذکور] است. اعتراض تلاشی است برای نشان دادن اراده مردم و توده‌ها و پرداختن به درد، رنج و استثماری که به حاشیه‌رانده‌شدگان حمل شده‌اند. [...]

دموکراسی در برابر نظرات گوناگون و مختلف پذیرش دارد؛ مخالفت را تاب می‌آورد و به آن اجازه بروز و شنیده شدن می‌دهد؛ باید هم همین‌طور باشد. دموکراسی سالم وجود تفاوت‌ها و نظرات مخالف را حتی لازم هم می‌داند و به آن بها می‌دهد. سهیل هاشمی می‌گوید بی‌بی‌باغ<sup>۶۴</sup> در شاه جهان آباد<sup>۶۵</sup> دهلی قدیم از مکان‌های اصلی اعتراض در جنبش استقلال بود و ابراز ناراحتی می‌کند از اینکه امروزه دور تا دور این مکان حصارکشی شده‌است. [...] اعتراضات کشاورزان<sup>۶۶</sup> سال ۱۹۸۸ به خشونت کشیده شد و:

62. Socio-spatial

63 Anti CAA Protests – CAA:

اصلاح قانون شهروندی: این قانون در سال ۲۰۱۹ تصویب شد. براساس این قانون، برخی اقلیت‌های مذهبی، که از کشورهای پاکستان، بنگلادش و افغانستان به هند مهاجرت کرده بودند، می‌توانستند به شهروند هند تبدیل شوند. این قانون شامل مسلمانان نمی‌شد و به همین علت، اعتراضات بسیاری را مخصوصاً در محله‌های مسلمان‌نشین در پی داشت. م.

64. Bibi Ka Bagh

65. Shahjanabad

۶۶. در سال ۱۹۸۸، اعتراضاتی در میروت، به رهبری ماهندرا تیکایت، به وقوع پیوست که پس از رسیدن به دهلی به خشونت کشیده شد و به همین علت، حکومت مجبور شد مکان اعتراضات را از راجپات به جنتر منتر تغییر دهد. [...]

67. Jantar Mantar این مکان رصدخانه‌ای در هند است

«نتیجه نهایی این است که تنها جایی که امکان دیده‌شدن مخالفت‌های دموکراتیک در آن وجود دارد جاده باریک مقابل رصدخانه قرن هجدهم در جنتر منتر<sup>۶۷</sup>، خارج از خیابان مجلس، است.»<sup>۶۸</sup>

این صحنه را تصور کنید که حدود پانصد هزار کشاورز با گاری‌های گاونر و چرخ‌دستی‌های خود می‌آیند و در باغ‌های مجلل منطقه راجپات<sup>۶۹</sup> جا خوش می‌کنند. این قدرت‌نمایی مردم نشان می‌دهد که فضا بعدی ضروری در ابراز مخالفت است و اهمیت بسیاری دارد.

[...] مناسب‌ترین فضا جاده راجپات بود. منطقه راجپات [که کاخ ریاست جمهوری را به دروازه هند وصل می‌کند] نماد قدرت و اقتدار دولت است. اعتراض در خیابان‌های راجپات به معنای ایجاد اپوزیسیونی ایدئولوژیک بود که به دولت‌ها گوشزد می‌کرد که، طبق قانون اساسی جدید، قدرت از آن مردم است و دولت‌ها به نمایندگی از مردم حکومت می‌کنند.

اینکه مکان تظاهرات از راجپات به جنتر منتر منتقل شد، جای شک باقی نگذاشت که تعیین فضاهایی خاص برای اعتراضات حاصل ماهیت غیردموکراتیک دولت است. جنتر منتر از سال ۱۹۹۳، یعنی دو سال پس از اینکه هند آزادسازی را انتخاب کرد، مکان مجاز اعتراضات بوده است. جنتر منتر در مقایسه با راجپات علی‌رغم حفظ فاصله لازم، به مجلس نزدیک‌تر بود و آن قدری بزرگ بود که جمعیت‌های زیاد را در خود جای دهد. همچنین ورودی و خروجی اصلی باریکش مدیریت و کنترل جمعیت را برای پلیس آسان می‌کرد. اعتراضات فقط در محل معین مجاز است و دلیلی هم که برایش ذکر می‌کنند بر هم نخوردن روند طبیعی زندگی مردم و دولت است؛ درحالی‌که هدف اصلی اعتراضات برهم‌زدن امر اجتماعی-فرهنگی-سیاسی به اصطلاح «مقرر یا عادی» و تغییر آن است. [...] تصرف<sup>۷۰</sup> فضا را باید تصرف قدرت و اختیار دولتمردان و درنهایت، خود دولت دانست. دولت هند، به بهانه تقویت دموکراسی، فضایی را برای بروز مخالفت مردم فراهم کرد، اما تعیین این فضاها هرگز به تقویت دموکراسی منجر نشد؛ برعکس، آن را تضعیف کرد. بعضی معتقدند که ممکن است قصد دولت همین باشد؛ در نتیجه، «سیاست فضا»<sup>۷۱</sup> به جنبه مهمی از سیاست هند تبدیل شد.

“Delhi matters: Carving spaces for dissent”, The Wire. May 11, 2019. [...]

۶۸. سهیل هاشمی: «دهلی مهم است: ایجاد فضای اعتراض»

69. Rajpath

70. Transgression

71. Politics of space



«حداکثر یک روز، ۵۰۰۰ معترض»؛ پلیس دهلی احتمالاً توصیه‌هایی برای اعتراض در جنتر منتر ارائه خواهد داد.

۲۴ جولای ۲۰۱۸

این چیزی بود که در پایتخت هند، دهلی، اتفاق افتاد؛ باین حال، شهرهای دیگر هند و مخصوصاً مرکز شهرها نیز شاهد انواع اعتراضات بوده‌اند و هستند. معترضان، فقط زمانی که مسئولان شهر خودشان اعتراضات را نادیده بگیرند، به دهلی و دولت مرکزی روی می‌آورند. شهرهای دیگر از مرکز پیروی کرده‌اند و اعتراضات را به فضاهایی مشخص محدود کرده‌اند. وقتی اعتراضات به مکان‌های خاصی رانده شوند، چه اتفاقی می‌افتد؟ [...]



عکسی از اعتراضات پینجراتاد

در سال ۱۹۹۷، دادگاه عالی بمبئی دستور داد که اعتراضات شهر باید به فضایی مشخص محدود شود، یعنی میدان آزاد.<sup>۷۲</sup> پیش از آن، راهپیمایی‌های اعتراضی از ایستگاه راه‌آهن چرچ‌گیت<sup>۷۳</sup> آغاز می‌شد و در مانترالایا<sup>۷۴</sup>، که مقر دولت بود، پایان می‌یافت. تظاهرات در بازه زمانی ۴ تا ۶ بعدازظهر برگزار می‌شد تا توجه کارمندان را که به خانه برمی‌گشتند جلب کند. شعاری به زبان مراٹی<sup>۷۵</sup> روی پوستری نوشته شده بود و تماشاگران را دعوت می‌کرد که به جمع معترضان بپیوندند: «چرا نگاه می‌کنید؟ به ما بپیوندید!»<sup>۷۶</sup> **تعامل بین عموم مردم و معترضان رگ حیات این اعتراضات بود. همه می‌دانستند راه‌ها مسدود خواهد شد و باید مدتی در جاده منتظر بمانند، اما دموکراسی چیزی جز این نیست.** بسیاری از مکان‌های دیگر بمبئی هم برای اعتراض استفاده می‌شدند. [...] ماهیت و علت اعتراضات بر انتخاب مکان تأثیر داشت.

میدان آزاد [...] آن قدر بزرگ است که مقداری زمان می‌برد تا چشم بتواند محل تجمع اعتراضات را پیدا کند. حتی بعد از یافتن محل تجمع هم طول می‌کشد تا با پای پیاده به آنجا رسید. با توجه به ظرفیت این مکان برای برگزاری ۱۰ تا ۲۰ گردهمایی در روز و هم‌پوشانی صدای سخنرانی‌ها، تصور اثربخشی این اعتراضات دشوار نیست. [...] در جریان اعتراضات اصلاح قانون شهروندی، میدان آزاد به فضای اعتراض برجسته‌ای تبدیل شد و تمام زمین را مردم تصرف کردند. [...]

پارک آزادی<sup>۷۷</sup> مکان رسمی برگزاری اعتراضات در بنگلور است. این مکان، که قبلاً زندان مرکزی بوده‌است، در زمان وضعیت اضطراری<sup>۷۸</sup> هند، که چندین رهبر اپوزیسیون در اینجا زندانی شدند، اهمیت پیدا کرد. امروزه این فضا دارای موزه زندان، حیاط مجسمه، حیاط عمومی، فواره آب، موزه کتاب، آمفی‌تئاتر و فضایی اختصاصی برای اعتراضات است؛ تفریح، سرگرمی و فعالیت اجتماعی همه در یک فضا جمع شده‌اند. فرمانداری شهر یکی دیگر از مکان‌های محبوب برای تظاهرات است؛ اما، بابت نزدیکی‌اش به جاده‌ای پرتردد، عملاً امکان شکل‌گیری تجمع‌های پرتعداد در آنجا وجود ندارد.

در جیپور، میدان مجسمه و پارک مرکزی برای اعتراضات بسیار کارآمد بودند، زیرا درست روبه‌روی ساختمان مجلس<sup>۷۹</sup> قرار داشتند. فضای سبز و چمن‌های اطراف میدان امکان تعامل جمعیت عظیمی از مردم با یکدیگر را فراهم

72. Azad Maidan

73. Churchgate

74. Mantralaya

75. Marathi

۷۶. جیوتی پونوانی: «به یاد آوردن راهپیمایی‌های پرشور شهر»

Jyoti Punwani, "Remembering city's exuberant morchas", Mumbai Mirror, October 10, 2020. [...]

77. Freedom Park

78. Emergency -

دوره‌ای در تاریخ هند مستقل که از ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۷ به طول انجامید. در این دو سال، وضعیتی دیکتاتوری بر هند حاکم بود که مخالفت‌های بسیاری را برانگیخت.

79. Vidhan Sabha

این مکان ساختمان مجلس هند است.

۸۰. آنیندو دی: «میدان مجسمه را برای اعتراضات صلح‌آمیز به ما دهید: نامه‌ای به نخست‌وزیر»

"Give us Statue Circle for peaceful protests: Memo to CM", Times of India, December 30, 2009.

می‌آورد. [اعتراضات] میدان مجسمه دو ابزار مهم دموکراسی را برای هند به‌ارمغان آورد:<sup>۸۰</sup> یکی قانون حق دسترسی به اطلاعات و دیگری طرح ضمانت اشتغال، اما امروزه شهرت میدان مجسمه فقط به قهوه سرد و چمن زیبایش است. فرماندار شهر هم این میدان را مکانی تفریحی می‌شمارد؛ درحالی‌که در سال‌های اخیر پلیس حتی اجازه نشستن در این مکان را هم به مردم نمی‌دهد؛ فقط از داخل ماشین قهوه‌ات را بخر و برو! وسایل نقلیه هم، به جز تعداد خیلی محدودی، اجازه پارک کردن ندارند. با این همه، میدان مجسمه هم یکی از چندین مکان‌هایی بود که در اعتراضات اصلاح قانون شهروندی جیپور مؤثر واقع شد.

در لکهنو، مکان محبوب اعتراضات مقابل مجلس قانون‌گذاری استان اتر پردیش<sup>۸۱</sup> بود. دولت قطعه زمینی را در مقابل دانشگاه لکهنو<sup>۸۲</sup> به اعتراضات اختصاص داد. این زمین دور از مرکز قدرت و خارج از دسترس رسانه‌ها و دید عموم بود. کاملاً واضح است که، بعد از این اقدام دولت، مکان‌های اعتراضی دیگری در شهر پدیدار شد.

[...] شهر کلکته از قاعده فضا‌های معین مستثنی است. اعتراضات و تظاهرات در تمام خیابان‌های این شهر مجاز است. کلکته مرکز استان بنگال غربی<sup>۸۳</sup> است؛ استانی که حدود ۴۰ سال دولتی کمونیستی آن را اداره می‌کند و مردم، به علت این رویکرد، باریش‌خند و تمسخر از آن یاد می‌کنند. مکان‌های اعتراضی زیادی در کلکته وجود دارد، اما عمدتاً احزاب سیاسی از میدان یگان<sup>۸۴</sup> استفاده می‌کنند. گفتنی است که نخست‌وزیر کنونی بنگال غربی، با سخنرانی در تجمعات این منطقه به قدرت رسیده است و همچنان از همین جا به شدت با دولت مرکزی راست‌گرا مخالف است. همان‌طور که معلوم است، در این شهر فضای معین برای اعتراضات وجود ندارد.

همه شهرهایی که پیش‌تر از آن‌ها بحث شد پایتخت و مراکز قدرت استان‌های خود هستند. **روستایان، با آمال و آرزوهای بسیار برای زندگی بهتر، به این شهرها می‌آیند، اما دولت، با استفاده از دوربین مداربسته یا سیستم‌های امنیتی ۲۴ ساعته، این شهرها را فضاهایی پاک‌سازی شده می‌نمایند و تازه‌واردان را مجاب می‌کند که شهروندانی قانونمند باشند و چیزی را زیر سؤال نبرند، اما وقتی زمان همبستگی همه مردم در برابر دولت استبدادی فرامی‌رسد، مکان‌های معین اعتراض، که در گوشه دورافتاده‌ای از شهر قرار دارند، یادآوری می‌کنند که باید برای داشتن صرفاً فضای اعتراض هم اعتراض کرد.** زمانی که فضا‌های عمومی تحت تصرف و نظارت مداوم دولت باشد، دسترسی و مالکیت بر این فضاها اهمیت پیدا می‌کند. [در شرایط اعتراضی]، همه شهروندان قانونمند و غیر پرسشگر سابق به فضایی [برای اعتراض] در محله خود نیاز دارند و بنابراین به دنبال آن هستند. اعتراض به شرایط خاصی نیاز دارد؛ باید شرایط دیده شدنش فراهم باشد؛ به حضور مردم نیاز دارد؛ چه تماشاگر باشند چه شرکت‌کننده. [...] اگر مردم نتوانند فضایی را برای اعتراض انتخاب کنند، آزادی بیانشان عمیقاً محدود می‌شود و حقوق

۸۰. آئیندو دی: «میدان مجسمه را برای اعتراضات صلح‌آمیز به ما دهید: نامه‌ای به نخست‌وزیر»

“Give us Statue Circle for peaceful protests: Memo to CM”, Times of India, December 30, 2009.

81. Uttar Pradesh

82. Lucknow University

83. West Bengal

84. Brigade Ground

اساسی‌شان به خطر می‌افتد. هر فضای عمومی نوعی از فعالیت را ممکن می‌سازد و پیوند خاصی با مردم برقرار می‌کند؛ فضاهای عمومی با این فعالیت‌ها و پیوندها تعیین و شناخته می‌شوند.



«منتظر مقاومت باش! به وجود (آدم‌ها) احترام بگذار!»

اقدام دانشجویان دانشگاه جادوپور که نیمه‌شب، در محوطه دانشگاه، تصمیم گرفتند برای اعتراض به پلیس راهپیمایی کنند. این دانشجویان خواستار استعفای معاون دانشگاه هم بودند.

[...] گاهی اوقات چندین تجمع اعتراضی با موضوعات مختلف هم‌زمان در یک مکان رسمی و [مجاز] برگزار می‌شوند و این درواقع به سخره‌گرفتن نفس و هدف اعتراض است. صدای ناهنجار بلندگوها به معترضان اجازه تمرکز و درک موضوع اعتراضات را نمی‌دهد. [...] در چنین فضایی، وجود دامنه وسیعی از مسائل و موضوعات مختلف زمینه ارتباط و پیوند معترضان را با یکدیگر فراهم می‌آورد، اما درعین حال، به علت انبوه اطلاعات، معترضان تحت فشار قرار می‌گیرند و بلافاصله دلسرد و بی‌رغبت می‌شوند. این شرایط «مناسکی» [به خاطر پیش‌بینی پذیر بودن] باعث می‌شوند که رسانه‌هایی که دل‌مشغولی‌شان تعداد بازدید است اعتراضات را جدی پوشش ندهند.

شیوه دسترسی به این فضاهای مقاومت طوری طراحی شده است که تضمین کند تمایل و علاقه‌ای به شرکت در اعتراضات ایجاد نشود. هرچند این فضاها به قطارهای محلی، جاده‌ها و ایستگاه‌های مترو دسترسی دارند، نزدیک‌ترین جاده یا دروازه به محل مدنظر، به‌طور استراتژیک، به شکلی انتخاب شده است که اجازه ورود و خروج جمعیت زیادی را ندهد یا [پلیس]، به‌طور استراتژیک، ورود و خروج را کنترل کند؛ درهرصورت، مکان‌یابی و شیوه دسترسی این مکان‌ها نوعی بازدارنده فضایی است. ورودی جنتر منتر دو خیابان است و میدان آزاد نیز دو دروازه ورودی دارد.



دروازه‌ها و خیابان‌های باریک کنار باغ‌ها، زمین‌ها و چمن‌ها تعداد معترضان را که وارد فضاهای مجاز می‌شوند کاهش می‌دهد. اینکه محل اعتراض از دید مستقیم عموم دور باشد عمدی است.

**نزدیک بودن اعتراضات در جاده‌ها و خیابان‌ها به مردم باعث می‌شود مردم درد و دغدغه معترضان را ببینند و بشنوند و فکرشان درگیر شود و دیدگاه‌های سیاسی پیدا کنند. حتی اگر مردم فقط تماشاکنندگان اعتراضات باشند، به تعداد جمعیت می‌افزایند و تأثیر اعتراضات را به حداکثر می‌رسانند.**

[...] در ۷ اکتبر ۲۰۲۰، حکم دادگاه عالی بر این شد که حق اعتراض حقی اساسی است، اما نه مطلق؛ [با این استدلال که] روا نیست فضاهای عمومی به طور نامحدود برای اعتراضات و تظاهرات اشغال شود. این تصمیم ضربه‌ای آشکار بر امکان ابراز مخالفت بود. ابتدا اعتراضات به فضاهای معین کشیده شدند و سپس برگزاری هر نوع اعتراضی در فضاهای عمومی، به همان بهانه‌ای که قبلاً گفته شد، یعنی ایجاد مزاحمت برای مردم، غیرقانونی اعلام شد. [...] تی.ام. کریشنا<sup>۸۵</sup> می‌نویسد:

«حتی صرف ایده برقراری اعتراضات در فضای معین باید زیر سؤال برود و به چالش کشیده شود. چه کسی این فضاها را تعیین می‌کند؟ بر چه اساسی؟ در کشوری مانند هند، که طبقه سیاسی مخصوصاً وقتی در موضع قدرت باشد تحمل انتقاد را ندارد، دادگاه چگونه می‌تواند انتظار عدالت و انصاف در تعیین و تخصیص فضاهای مجاز داشته باشد؟ [...]»

این هم مهم است که بدانیم اعتراض معمولاً امری لحظه‌ای است و نمی‌شود با تقسیم‌بندی و مجوز آن را مهار کرد. ویژگی حیاتی اعتراض، آگاهی و مشارکت عمومی است؛ به همین ترتیب، روا نیست جاده‌های عمومی را محدود کرد. آن تعدادی از ما، که بابت اختلال در جاده‌ها معذب می‌شویم، هیچ‌گاه متوجه درد کشاورز یا کارگر نخواهیم شد، مگر اینکه با شنیدن شعارها و مطالبات و سرودها و دیدن صفوف معترضان در خیابان از خواب غفلت بیدار شویم و به خود بیاییم. [...]

بله؛ درست است که لزوماً تمام اعتراضات تخیل ملی را اشغال نمی‌کنند و [اذهان همه مردم را درگیر نمی‌کنند]؛ اصلاً شاید لازم هم نباشد، اما اعتراضات اصلاح قانون شهروندی توجه مردم را، در تقریباً همه شهرهای هند، به خود جلب کرد. اقلیت‌های مسلمان، به سبب اینکه هویت و شهروندی‌شان تهدید می‌شد، پیشگامان اعتراض بر این لایحه دسیسه‌آمیز بودند؛ پس تعجبی ندارد که اولین اعتراضات در محله‌های مسلمان‌نشین شکل گرفتند. شهروندان دیگر هم به اعتراضات پیوستند. اینجاست که فضاهای معین اعتراض و در مقابل، فضاهای پراکنده بدیل پدید آمدند. جنتر منتر، میدان آزاد، پارک آزادی و دیگر فضاهای «رسمی» قطعاً فضاهای [مجاز] اعتراض بودند، [...] اما فضاهای نام‌برده شده دیگر محبوب و چشمگیر نبودند، بلکه فضاهای دیگر، با الهام از شاهین باغ<sup>۸۶</sup>، به فضاهایی برای مقاومت در کشور تبدیل شدند.

85. T M Krishna

86. Shaheen Bagh

مردم و مخصوصاً زنان مسلمانی که به مسائلی از جمله قانون اصلاح شهروندی اعتراض داشتند در قسمتی از شاهین باغ تحصن کردند. گفتنی است که شاهین باغ از فضاهای معین نبود و خود مردم آن را انتخاب کرده بودند. م

در مرکز بلال باغ<sup>۸۷</sup>، نیز خیمه‌ای<sup>۸۸</sup> برپا شده بود. در بلال باغ، هنگام تظاهرات ترافیک و تراکم جمعیت مجاز نبود، اما در عین حال خرید و فروش در مغازه‌های اطراف همچنان برقرار بود. [...] دیواری از مقاومت، پراز پوستر و شعار، خیمه را مزین کرده بود. کتابخانه‌ای نیز ساخته شده بود و فعالیت می‌کرد.



با وجود فشار پلیس، زنان در بلال باغ بنگلور به اعتراض علیه سی‌ای‌ای ادامه می‌دهند.

برج ساعت، که در قسمت قدیمی لکه‌نو قرار دارد، از زمان ساختش، به عنوان فضای عمومی تفریحی استفاده می‌شد. [...] در یک بازه زمانی خاص، برج ساعت مکانی با پویایی سیاسی بود که عده اندکی آن را دوست داشتند و بقیه با آن مخالف بودند. یک سال بعد، برج ساعت تبدیل شد به کانتون<sup>۸۹</sup> پلیس تا جلو وقوع اعتراضات در این مکان گرفته شود، اما بدیهی است که مردم مکان‌ها و فضاهای دیگری برای اعتراض خواهند یافت.

**مکان‌ها مانند آدم‌ها چهره دارند. وقتی حوادث تاریخی با این مکان‌ها گره بخورند، مکان‌ها زندگی می‌یابند و پایه‌پای شهروندانشان از حقوق اساسی دفاع می‌کنند.** [...] میدان، محله، فضای باز، شاه‌راه یا خیابان؛ هیچ‌یک از این فضاها به بستگی فضاهای معین نیستند. این فضاها هیچ ارتباطی با اعتراضات نداشتند و سابقاً اعتراضاتی نیز در آن‌ها برگزار نشده بود؛ بعضی از آن‌ها حتی شامل تعریف تخصصی فضای عمومی هم نمی‌شدند. این مکان‌ها، به طور طبیعی و لحظه‌ای، برای اعتراضات انتخاب شدند و عناصر دیگر، مانند خیمه، سکو، صندلی، سیستم پخش صدا، را خود مردم و انجمن‌ها تهیه کردند. وقتی حکومت اعتراضات را نادیده می‌گرفت، اعتراضات شکل تحسن به

87. Bilaal Bagh

88. Shamiana

خیمه‌ای پارچه‌ای؛ در هند در اعتراضات از این خیمه استفاده می‌شود. - م

89. Cantonment

خود می‌گرفتند. در هر ساعتی از شب و روز، شرکت‌کنندگان داوطلبانه در اعتراضات و تحصن شرکت می‌کردند. حالا دیگر بحث غذا و تدارکات هم مطرح بود. انجمن‌ها و گروه‌های بسیاری غذا درست می‌کردند و برای تحصن‌کنندگان می‌آوردند. [...] کنار یکدیگر غذا خوردن صرفاً برای رفع گرسنگی نبود، بلکه برای ایجاد احساس هم‌دلی بین هموطنان و متحدکردنشان بود؛ درسی که کشور سال‌ها فراموش کرده بود.

برخلاف فضاهای معین، که نیاز به هیچ‌کدام از موارد ذکرشده نداشتند، در فضاهای بدیل، معترضان حتی کوچک‌ترین جزئیات را هم مدنظر قرار می‌دادند، ایده‌پردازی می‌کردند و تدارکاتی فراهم می‌آوردند. **بزرگ‌ترین مزیت فضاهای بدیل دسترسی‌شان بود، چون به محله‌ها بسیار نزدیک بودند و حتی می‌شد، با پای پیاده، به مکان مدنظر رفت.** این مزیت فرصت مشارکت هرروزه را برای زنان به‌وجود آورد، زیرا می‌توانستند پس از انجام کار خانگی، درس دانشگاه و ساعت کاری‌شان بیابند و در اعتراضات، شرکت کنند. از این‌رو، اعتراضات عصرها بسیار پرشور بود و مشارکت‌کنندگان بیشتری داشت. زنان، در سکوتِ مقاومتی، تحصن می‌کردند و فرزندانشان نیز درس‌های بزرگی دربارهٔ دموکراسی و مقاومت یاد می‌گرفتند.

این مکان‌ها فعالیت‌های نوآورانه، خلاقانه و آموزشی هم ارائه می‌دادند. داوطلبان نقاشی، طراحی، موسیقی و رقص را به کسانی که مایل به یادگیری بودند می‌آموختند. مردم، در بسیاری از فضاهای اعتراضی بدیل، کتابخانه ساختند تا دربارهٔ ارزش‌های اساسی و دیگر مسائل مهم کشور بخوانند و یاد بگیرند. هنرمندان زیادی به این مکان‌ها می‌آمدند تا برای معترضان اجرا کنند و هم‌دردی و هم‌راهی خود را نشان دهند. [...]

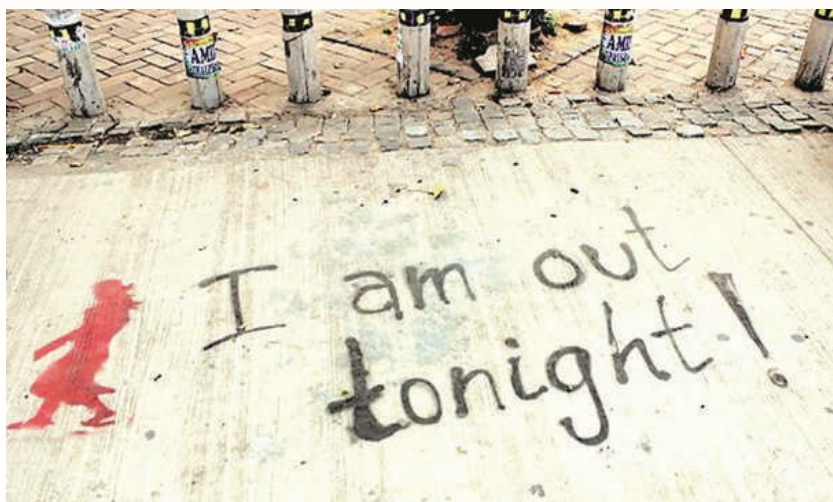


بانوی سالخوردهٔ معترض به قانون اصلاح شهروندی، که در شاهین‌باغ با سخنگویان دادگاه عالی هند، یعنی سانجی هگده و سادهدنا رام‌چاندرا، صحبت می‌کند. سخنگویان خارج از کادر هستند.

مکان‌ها معنا دارند و معانی خود را به معنی جنبش مبدل می‌سازند. اعتراضات اصلاح قانون شهروندی با نام شاهین باغ شناخته می‌شود؛ [...] شاهین باغ مکانی است که مفهوم آزادی بیان با آن گره خورده است. معمولاً، برخلاف اعتراضات جنتر منتر، میدان آزاد یا فرمانداری شهر، اعتراضات براساس اسم مکانی که در آن پدید آمده‌اند نام‌گذاری نمی‌شوند، بلکه، با توجه به افرادی که آن را ترتیب می‌دهند، نام‌گذاری می‌شوند؛ مثلاً اعتراض کشاورزان، اعتراض کارگران، جنبش زنان. **اسم‌گذاری بر رویدادها یا اعتراضات از حیث هویت‌یابی هم مهم است. در این مورد به خصوص، نام «شاهین باغ» به مذهب، جنسیت یا طبقه اجتماعی خاصی تعلق ندارد، بلکه یادآور مکانی است که هیچ‌کس را به حاشیه نمی‌راند، در حق هیچ‌کس بی‌عدالتی و تبعیض روا نمی‌دارد، با همه برابر رفتار می‌کند و آرمان شهروند و ملت حقیقی را اشاعه می‌دهد.**

با اشغال فضاهای عمومی، مردم در واقع فضاهایی را، که به نحوی به خودشان تعلق داشته است، بازپس می‌گیرند. [...] این برای مردم احساس آزادی زیادی به‌ارمغان می‌آورد و رهایی بخش است، زیرا مفهوم تقابل و بازخواست برعکس می‌شود. وقتی مردم در فضایی عینی و فیزیکی اعتراض می‌کنند، هویت جمعی جدیدی به‌وجود می‌آورند و درمقابل قدرت‌ها می‌ایستند و آن‌ها را بازخواست می‌کنند؛ این‌گونه نماد آزادی و دموکراسی را قوت می‌بخشند. فضاهای معین این ویژگی‌ها را ندارند؛ فضاهای معین تماشاگرانی خاموش‌اند و صرفاً فضایی خنثی برای انجام بخشی از فعالیت‌ها. [...]

**دانشگاه‌ها نمونه بارز و همیشگی فضاهایی‌اند که اعتراضات آن‌ها را دست‌خوش تغییرات مختلفی می‌کنند. زمانی که دانشجویان درس‌هایی که در کتاب‌هایشان یاد گرفته‌اند (مطالبه‌گری و اعتراض کردن را به‌کار می‌بندند) دانشگاه‌ها [...] تبدیل به فضایی بدیل و همیشگی برای اعتراض می‌شوند؛ حتی اگر این همیشگی بودن مستمر نباشد و شدت و ضعف پیدا کند. دانشگاه‌ها برای مطالبه‌گری به فضای بدیل نیاز ندارند، بلکه در ابعاد و تعاملات فضایی مختص خودشان عمل می‌کنند و برای خودشان و دانشجویانشان، که شهروندان آینده جامعه هستند، الگوهایی امیدبخش می‌سازند. [...] دانشجویان همیشه برای مطالبه حقوقشان در خط مقدم بوده‌اند. بی‌شک گزاف و مبالغه نیست، اگر بگوییم تمام اعتراضات از دانشگاه‌ها شروع می‌شوند. [...]**



در اعتراض به محدودیت دختران برای ساعت ورود و خروج شبانه‌شان به خوابگاه، سال ۲۰۱۵

[...] اشغال یعنی چه؟ وقتی دولت روزها و ماه‌های متمادی از توجه به صداهای مخالف سر باز بزند و با مخالفان وارد گفت‌وگو نشود، مردم مجبور می‌شوند از راه‌های دیگری توجه دولت را جلب کنند. [...] معترضان در واقع این پیام را مخابره می‌کنند که ما می‌خواهیم شنیده شویم. اعضای انجمن دانشجویی جواهر لعل نهرو جنبشی اشغال‌گرانه دور تا دور بلوک اداری ترتیب دادند، زیرا به درخواستشان مبنی بر برگزاری جلسه با مدیریت دانشگاه دربارهٔ قوانین پذیرش دانشجویان ورودی جواب ندادند. این یعنی دانشجو کاملاً حق دارد فضایی اشغال شده به دست اداره و مدیریت را پس بگیرد. در زمانی دیگر، انجمن دانشجویی جواهر لعل نهرو دفتر کمیسیون کمک‌هزینه‌های دانشگاه را به مدت پانزده روز اشغال کرد تا مطالبات خود را به گوش افراد مربوط برساند.



اعتراض دانشجویان به افزایش شهریه‌ها، روبه‌روی ساختمان اداری دانشگاه جواهر لعل نهرو، ۲۲ نوامبر ۲۰۱۹

فضاها، علاوه بر اینکه عینی و فیزیکی هستند، ذهنی و فکری هم هستند، چون احساسات خاصی را در مردم برمی‌انگیزند. وقتی شهروندان بدانند که فضاها و مکان‌هایی وجود دارد که در آن‌ها می‌توانند از حق خود دفاع کنند و شکایاتشان را مطرح سازند، احساس امنیت می‌کنند؛ همچنین، اعتراضات به سلامت روان جمعی جامعه کمک می‌کند. وقتی فضایی برای اعتراض در دسترس نباشد، مردم دربارهٔ وضعیت، شرایط و هویتشان احساس ناامنی می‌کنند. این نوع از خشونت مخرب و دردناک است. چنین خشونتی خود را به دو شکل نشان می‌دهد: **خشونت به خود و خشونت به دیگری**. رویت و مولانا<sup>۹۰</sup> خودکشی کرد، زیرا احساس می‌کرد، چه در دانشگاه چه خارج از آن، هیچ فضایی ندارد که بتواند دغدغه‌ها و نظراتش را بیان کند. وقتی نتوانست چنین فضایی را پیدا کند، در مورد خودش خشونت به خرج داد و خودکشی کرد. [...] خشونت به دیگری شامل دعوا، آسیب‌رساندن به ملک

90. Rohith Vemula

دانشجوی دکتری دانشگاه حیدرآباد در هند که، بابت قطع حقوقش از طرف دانشگاه بدون اطلاع قبلی و پیگیری نشدن درخواست‌هایش از سوی دانشگاه، دست به خودکشی زد... م

و مال، کتک‌زدن و قتل است. وقتی اعتراضات به خشونت کشیده شوند، آسیب و ضرر مالی به مردم و دولت وارد می‌کنند، اما این تنش‌های خشونت‌آمیز خطر دیگری نیز دارند و آن هم عمیق‌ترکردن بذر انفکاک، جدایی‌طلبی و نارضایتی است که مخالفت را به ابعاد بزرگتری می‌کشاند. وقتی فضاها اجازه تعامل سالم را به بخش‌های مختلف جامعه ندهند، مردم نمی‌توانند یکدیگر را ببینند و درک کنند؛ نمی‌توانند باهم هم‌دلی کنند و با تحریک احزاب سیاسی، به راحتی به خشونت روی می‌آورند.

### نتیجه‌گیری

[...] **وقتی مردم کنار هم جمع می‌شوند تا به بی‌عدالتی اعتراض کنند، فضاهای اعتراض جدیدی پدید می‌آید. فضاهای بدیل، صرفاً بابت وجود فیزیکی‌شان، مهم نیستند و ابعاد دیگری هم دارند. آن‌ها تخیل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه‌شان را به تصویر می‌کشند.** تعدد فضاهای اعتراضی نیز به این معناست که حکومت نمی‌تواند بی‌تفاوت باشد و مجبور است بالأخره تسلیم معترضان شود. فضاهای بدیل، علاوه بر بالابردن شدت اعتراضات، گفتمان‌های جدیدی هم به وجود می‌آورند و مردم را از طبیعی بودن کثرت و معتبربودن پذیرش تفاوت عقیده آگاه می‌سازند. وجود فضاهای بدیل ممکن است به شکل‌گیری ارتباطات جدید و محکم‌تر بین مردم کمک کند. وقتی مردم دست به دست هم می‌دهند و به مکان‌های ممنوع وارد می‌شوند، حکومت تسلیم آن‌ها می‌شود. در این روند، نمادهای جدید و خلاقانه ابراز وجود و مخالفت پدید می‌آیند که ظرفیت جهانی شدن دارند؛ علاوه بر این، وجود فضاهای بدیل نشان می‌دهد که، وقتی معترضان به فضاهای قدرت، که معمولاً ممنوع‌اند، دسترسی پیدا می‌کنند یا فضاهایی از آن خود را می‌سازند، حکومت به سختی می‌تواند اقتدارش را در فضاهای جدید حفظ کند و نگذارد مردم به سرزمین ممنوع پا بگذارند.

چنانچه به مطالعه متن کامل این مقاله علاقه دارید، به پیوند زیر بروید:

<https://rahman.org.ir/2023/07/12/in-search-of-alternative-spaces/>

## خبرنامه

### گزارشی از فعالیت‌های اخیر مؤسسه رحمان

#### رادیو رحا

رادیو رحا (رشد، حمایت، اندیشه) پادکست اختصاصی مؤسسه رحمان است. در هر شماره از این پادکست، صدای مردم را می‌شنوید. رحا سعی دارد، با نگاهی جامعه‌شناسانه، به مسائل جامعه ایران بپردازد. در فصل سوم رادیو رحا، به سراغ موضوع «اعتراضات» رفتیم که طی ۳ قسمت، از اردیبهشت تا مرداد ۱۴۰۲، منتشر می‌شود. در این فصل، نگاهی به برخی از اعتراضات مردم ایران از ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۱ می‌اندازیم و ریشه‌ها و علل نارضایتی‌های اجتماعی را تحلیل می‌کنیم. فصل سوم رادیو رحا ادای دین ما به سعید مدنی است. برای دسترسی به این فصل و همچنین دیگر قسمت‌ها، به اپلیکیشن‌های پادگیر مراجعه کنید.

#### مجموعه نشست‌های «جامعه مدنی: راه‌هایی یا ابزار سرکوب»

جامعه مدنی مفهوم گسترده و پردامنه‌ای در علوم اجتماعی است، اما در ساده‌ترین معنا می‌توان آن را شامل نهادهایی دانست که مستقل از حاکمیت فعالیت می‌کنند و واسطه‌ای میان دولت و عموم مردم‌اند. این نهادهای واسط در ایران کنونی چه ویژگی‌هایی دارند؟ چگونه و در چه شرایطی خواهند توانست به جامعه ما، در گذار از این روزهای دشوار، یاری برسانند و اتکای صرف به آن‌ها ممکن است چه پیامدهای منفی‌ای را در پی داشته باشد؟ پرسش‌هایی از این قبیل سبب شد مجموعه نشست‌هایی، با عنوان «جامعه مدنی: راه‌هایی یا ابزار سرکوب»، در مؤسسه رحمان شکل بگیرد. قرار است این جلسات هم‌اندیشی، به تدقیق فهم ما از جامعه مدنی و امکان‌ها و مسیرهایی که می‌تواند پیش روی ما قرار دهد، کمک کنند. سلسله نشست‌های «جامعه مدنی: راه‌هایی یا ابزار سرکوب» از خرداد ۱۴۰۲ با حضور استادان دانشگاه، پژوهشگران و فعالان مدنی آغاز شده است و در ماه‌های آینده نیز، ادامه خواهد داشت. شرکت در آن برای عموم آزاد و رایگان است.

#### پیوندهای زیر شما را به گزارش نشست‌های برگزار شده هدایت می‌کنند:

<https://rahman.org.ir/2023/05/28/the-history-of-development-is-the-history-of-inequality/>

<https://rahman.org.ir/2023/06/28/women-and-civil-society/>

برمان گردان دنیا!

به روزگاری که هنوز  
مردگان زیادی را  
از نزدیک نمی شناختیم.

مرگ  
به اندازه بستگان دور همسایه  
دور بود.

به روزگاری که ترانه های حزن آلود  
کسی را به یاد کسی نمی انداختند.

عطرها  
آدم ها را به یاد آدم نمی آوردند

و در هر گوشه این شهر،  
خاطره ای که پوست دل را بکند  
کمین نکرده بود...

شاعر: رؤیا شاه حسین زاده

زنده باد امید

